

تجوید و آواشناسی

استاد سید محسن موسوی بلده





تجوید و آواشناسی

مقطع: کارشناسی

رشته: علوم حدیث

مدرس: استاد سید محسن موسوی بلده

ارزیاب: استاد سلیمی

آموزشیار تدوین: زهرا اجلالی

ناظر علمی تدوین: روح الله ناظمی قهی

آموزشیاران بازنگری: مریم حاجی قاضی استرآبادی، منیره دهقانی زاده

ویراستار فنی: نرجس حسنلو

ناظر ویرایش: حامد جوکار

حروفچین و صفحه‌آرا: نرجس حسنلو

تاریخ تولید: تابستان ۱۳۸۵

ویراست دوم: بهار ۱۳۸۹

	جلسه اول
۲	اهداف درس
۲	چگونگی نزول قرآن
۲	جمع آوری و تألیف قرآن
۳	علامت و نقطه گذاری قرآن
۳	تعلیم قرائت قرآن
۳	عوامل ایجاد پدیده اختلاف قرائت
۴	فواید اختلاف قرائت
۵	تألیف و تدوین قرائت مختلف
۵	اسامی قرآء سبعه
۵	اسامی راویان چهارده گانه
	جلسه دوم
۸	اهداف درس
۸	تفاوت قرائت، روایت و طریق
۸	رجحان قرائت عاصم و روایت حفص
۸	دلایل رجحان و اعتبار قرائت عاصم نسبت به سایر قرائت
۹	دلایل رجحان روایت «حفص از عاصم» نسبت به سایر روایات
	جلسه سوم
۱۴	اهداف درس
۱۴	آغاز تلاوت
۱۴	استعاذه
۱۴	بسمله
۱۵	ترتیل قرآن
۱۵	روش های سه گانه قرائت
۱۵	روش های سه گانه قرائت
۱۶	تعریف تجوید با الهام از تعریف ترتیل
	جلسه چهارم
۱۸	اهداف درس
۱۸	همزه وصل

۱۸.....	همزه قطع
۱۸.....	نحوه تشخیص حرکت همزه وصل در ابتداء به کلمات
۱۸.....	الف) همزه وصل در حرف
۱۸.....	ب) همزه وصل در اسم
۱۸.....	ج) همزه وصل فعل
۱۹.....	طرق وقف
۱۹.....	تعریف وقف
۱۹.....	طرق وقف بر آخر کلمات
۲۰.....	موارد وقف ابدال
۲۰.....	وقف بر هفت کلمه در قرآن
۲۰.....	تمرین عملی
	جلسه پنجم
۲۲.....	اهداف درس
۲۲.....	وقف و ابتدا در عبارات قرآنی
۲۲.....	اقسام وقف بر عبارات قرآنی
۲۳.....	ابتدا
۲۳.....	علائم وقف
۲۳.....	علائم شش گانه سجاوندی
۲۵.....	سایر علائم وقف
۲۶.....	وقف بر پایان آیه
۲۶.....	تمرین عملی
	جلسه ششم
۲۸.....	اهداف درس
۲۸.....	تلفظ صحیح حرکات (کلید اول لهجه عرب)
۲۸.....	مقدمه
۲۸.....	مقایسه حرکات کوتاه و کشیده در زبان فارسی
۲۹.....	تلفظ صحیح حرکات عربی
۲۹.....	تلفظ صحیح حروف (کلید دوم لهجه عرب)
۲۹.....	مقدمه
۲۹.....	تعداد حروف زبان عربی
۳۰.....	تلفظ ده حرف متفاوت با فارسی
۳۱.....	تمرین عملی
	جلسه هفتم
۳۴.....	هدف درس
۳۴.....	تلفظ صحیح حروف
۳۶.....	نکاتی در تلفظ حروف مشترک زبان فارسی و عربی

۳۶	تمرین عملی
	جلسه هشتم
۴۰	اهداف درس
۴۰	مقدمه
۴۰	تعریف صفت
۴۱	فایده شناخت صفات
۴۱	تقسیم بندی صفات
۴۱	تعریف صفات اصلی
۴۱	تعریف صفات فرعی
۴۲	صفات اصلی
۴۲	جهر و همس
۴۲	شدت و رخوت
۴۲	توسط
۴۳	اصمات و اذلاق
۴۳	استعلاء و استفعال
۴۴	تمرین عملی
۴۵	صفات فرعی
	جلسه نهم
۴۸	اهداف درس
۴۸	اطباق
۴۸	انفتاح
۴۸	صفات فرعی
۴۹	الف) صفت قَلَّله
۴۹	ب) صفت لین
۵۰	ج) صفت غُنَّه
۵۰	د) صفت نَبْرَه
۵۰	تمرین عملی
	جلسه دهم
۵۲	اهداف درس
۵۲	تعریف احکام
۵۲	تفخیم و ترقیق
۵۳	تغلیظ و ترقیق «ل»
۵۳	تمرین عملی
	جلسه یازدهم
۵۶	اهداف درس
۵۶	تفخیم و ترقیق «راء»

۵۶	مقدمه.....
۵۶	موارد تفخیم «راء».....
۵۷	موارد ترقيق «راء».....
۵۷	تفخیم و ترقيق الف مدی.....
۵۸	امالة الف مدی.....
	جلسة دوازدهم
۶۰	اهداف درس.....
۶۰	مقدمه.....
۶۰	تعريف ادغام.....
۶۰	فايدة ادغام.....
۶۰	انواع سه گانه ادغام و موارد آن.....
۶۱	(ج) ادغام متقاربین.....
۶۱	تمرین عملی.....
	جلسة سیزدهم
۶۴	هدف درس.....
۶۴	احکام نون ساکنه و تنوین.....
۶۴	(الف) اظهار.....
۶۴	(ب) ادغام.....
۶۶	(د) اخفاء.....
۶۶	تمرین عملی.....
	جلسة چهاردهم
۷۰	اهداف درس.....
۷۰	احکام میم ساکنه.....
۷۰	(الف) ادغام.....
۷۰	(ب) اخفاء.....
۷۰	(ج) اظهار.....
۷۱	غنه.....
۷۱	تعريف غنه.....
۷۱	میزان کشش غنه.....
۷۱	موارد غنه.....
۷۲	تمرین عملی.....
	جلسة پانزدهم
۷۴	اهداف درس.....
۷۴	مدّ و قصر.....
۷۴	مقدمه.....
۷۴	تعريف مدّ.....

۷۴	ساختمان مد.....
۷۴	انواع مد.....
۷۵	انواع مدّ فرعی
۷۶	تمرین عملی
		جلسه شانزدهم
۸۰	اهداف درس
۸۰	چند نکته پایانی
۸۰	الف) سکت در قرآن
۸۰	ب) هاء سکت در قرآن
۸۱	ج) نکاتی از هاء ضمیر
۸۱	د) تلفظ خاص چند واژه
۸۲	ه) سجده‌های واجب تلاوت
۸۳	تمرین عملی

جلسه اول

خلاصه‌ای از تاریخ قرآن (۱)

- ۲..... اهداف درس
- ۲..... چگونگی نزول قرآن
- ۲..... جمع‌آوری و تألیف قرآن
- ۳..... علامت و نقطه‌گذاری قرآن
- ۳..... تعلیم قرائت قرآن
- ۳..... عوامل ایجاد پدیدهٔ اختلاف قرائات
- ۴..... فواید اختلاف قرائات
- ۵..... تألیف و تدوین قرائات مختلف
- ۵..... اسامی قراء سبعه
- ۵..... اسامی راویان چهارده‌گانه

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ چگونگی نزول قرآن و اولین و آخرین آیات و سوره‌های نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه وآله)؛
- ✓ چگونگی جمع‌آوری و تألیف قرآن و مصاحف عثمانی؛
- ✓ چگونگی علامت‌گذاری و نقطه‌گذاری قرآن؛
- ✓ علم قرائت قرآن و چگونگی تعلیم آن؛
- ✓ عوامل پدیدآورنده اختلاف قرائات و چگونگی تألیف و تدوین آن‌ها؛
- ✓ قراء سبعه و راویان آن‌ها.

چگونگی نزول قرآن

قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی است که به طریق وحی از سوی خداوند به منظور نجات بشر از گمراهی و راهنمایی او به وادی تابناک هدایت بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآله)، نازل شده است.

پیامبر گرامی اسلام در بیست و هفتم ماه رجب، به پیامبری مبعوث شد و آغاز نزول قرآن به عنوان یک کتاب مفصل، سه سال پس از مبعث و در شب قدر از ماه مبارک رمضان بوده است و در طول بیست سال باقی‌مانده از عمر گرامی ایشان، به صورت تدریجی نازل شده است.

نخستین قسمت قرآن که در شب مبعث نازل شد، پنج آیه اول سوره علق بود. آخرین آیه نازل را آیه ۲۸۱ سوره بقره می‌دانند ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...﴾. اولین سوره کامل، سوره حمد و آخرین سوره کامل، سوره نصر می‌باشد.

قرآن به سوره و آیات تقسیم شده است. تعداد سوره قرآن ۱۱۴ و تعداد آیات آن به روایت کوفیین، ۶۲۳۶ آیه است. آیات و سوره، بر حسب مکان نزول، به دو دسته مکی و مدنی تقسیم می‌شوند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) خود اُمّی بودند و با کتابت آشنایی نداشتند، اما از افرادی به عنوان کُتاب وحی استفاده نمودند؛ و از این رو در صدر اسلام، علاوه بر حفظ آیات توسط مسلمانان از کتابت آن نیز در جهت مصونیت کلام الهی از نسیان و تحریف، بهره گرفته شد.

جمع‌آوری و تألیف قرآن

در دوره پیامبر (صلی الله علیه وآله) آیات و سوره‌ها تکمیل و نام آن‌ها نیز تعیین شده بود؛ اما در قطعاتی پراکنده در دسترس مسلمانان قرار داشت. جمع‌آوری قرآن در یک مجلد به هم پیوسته بعداً انجام گرفت. اولین جامع و تدوین‌کننده قرآن حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که متأسفانه این قرآن مدون، مورد پذیرش قرار نگرفت؛ بنا بر این کار را برخی دیگر از صحابه پیامبر انجام دادند؛ اما اختلاف موجود در

مصحف‌های مختلف به مشکلی بزرگ مبدل شد تا این‌که سرانجام در زمان عثمان، قرآن با ترتیب فعلی، تدوین شده و در اختیار مسلمانان قرار گرفت.

قابل توجه این‌که این امر، مورد تأیید امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) واقع شد و ایشان در زمان خلافت خویش نیز مردم را به همان مصحف عثمان ملزم کردند و مانع از این شدند که تغییری در آن داده شود، حتی اگر در آن اشتباهات املائی وجود داشته باشد؛ زیرا بیم آن می‌رفت که به بهانه اصلاح آن، تغییر و تحریفی صورت گیرد.

قرآن جمع‌آوری شده به وسیله عثمان، حداکثر در نه جلد تکثیر و به سایر بلاد اسلامی فرستاده شد. در واقع، ترتیب سور و کتابت فعلی قرآن که در دست ما است، مطابق با همان مصحف عثمانی است.

علامت و نقطه گذاری قرآن

عاری بودن قرآن از علامات و نشانه‌هایی از قبیل اعراب و نقطه، می‌توانست در دراز مدت به تشتت قرائت کلمات منجر گردد.

نخستین بار، در سال ۶۹ هجری ابو الأسود دؤلی به اعراب‌گذاری کلمات قرآن پرداخت و سرانجام با همت دو تن از شاگردان وی به نامهای یحیی بن یعمر و نصر بن عاصم، نقطه‌گذاری حروف، صورت گرفت و سرانجام در قرن سوم هجری، نگارش قرآن به پختگی و انسجام قابل ملاحظه‌ای رسید. علایم مرسوم امروزی برای بیان حرکات حروف، از ابتکارات خلیل بن احمد است.

تعلیم قرائت قرآن

به گواهی تاریخ، تعلیم قرائت قرآن را شخص پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) آغاز کرد و صحابه ایشان ده آیه را فرا می‌گرفتند و به ده آیه بعد نمی‌پرداختند مگر آن‌که راه و رسم قرائت صحیح، وقف و ابتداء و عمل به احکام و مضامین ده آیه اول را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌آموختند.

بدین‌سان اولین گروه از قاریان قرآن همچون حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و ابن مسعود و ابی بن کعب و ... پدید آمدند و قرائت همین افراد، مرجع اسناد قرآء در قرون بعد گردید.

بنا بر این علم قرائت قرآن، عبارت از «روایات و طرق قرآنی است که با اسناد به ثبوت رسیده باشد تا عمل به آن لازم الاتباع باشد».

عوامل ایجاد پدیده اختلاف قرائات

با گذشت زمان، سیر تعلیم و تعلم قرائات، در انتقال از نسلی به نسل بعدی، متحول و تعداد قرآء در بلاد اسلامی زیاد و زیادتر شد تا آن‌جا که اختلاف نظر اینان در اواسط قرن اول هجری، به مسئله اختلاف قرائات آن انجامید.

اختلاف قرائت از بین همان صحابه مشهور، آغاز و با اعزام قراء به بلاد مختلف، شیوع بیش‌تری یافت و در هر مرکز از مملکت اسلامی، اساتید مشهور از جمله قراء سبعة (که ذکر آنان خواهد آمد) پدید آمدند که مردم قرائت را از آنان اخذ می‌کردند.

عوامل اختلاف موجود در قرائت را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. تجویز قرائت قرآن از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شکلی که هر گروهی مطابق لهجه و عادات خود تلفظ کنند.

۲. اختلاف مصحف‌های اولیه، چه پیش از واقعه یکی کردن مصحف‌ها (توحید مصحف‌ها) توسط عثمان و چه پس از آن.

۳. نارسایی خط و کتابت اولیه قرآن که فاقد علامت، حرکت و نقطه بود.

البته فوایدی را هم بر اختلاف قرائت، مترتب می‌دانند، از جمله بیان حکم مورد اجماع و اتفاق فقها و نیز ترجیح یکی از دو حکم مورد اختلاف، جمع دو حکم مختلف و ...

فواید اختلاف قرائت

آن چنان که در برخی منابع آمده است، علمای قرائت فواید و ویژگی‌هایی را برای اختلاف قرائت ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. نه‌ایة البلاغه، کمال الاعجاز و جمال الایجاز که در قرائت مختلف قرآن کریم جلوه‌گر می‌شود.
۲. از دیگر فواید و آثار مترتب بر اختلاف قرائت بحث سخت‌گیری نکردن بر امت است که از سوی پیامبر گرامی اسلام، جواز قرائت هر قوم به لهجه خود صادر گردیده است.
۳. بیان حکم مورد اجماع و اتفاق فقها: برای نمونه از سعد بن ابی وقاص و چند نفر از دیگر صحابه و قراء نقل شده که می‌خواندند: «وَلَهُ أُخٌ أَوْ أُخْتٌ مِنْ أُمٍّ» یعنی در بحث آیات ارث «مِنْ أُمٍّ» را اضافه می‌کردند که توضیح در بیان حکم مورد اجماع و به معنای خواهر و برادر مادری می‌باشد.
۴. ترجیح یکی از دو حکم مورد اختلاف: به عنوان نمونه در مورد آزاد سازی برده در بحث کفاره، در این بخش از آیه: «أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ» برخی همچون شافعی معتقد بودند که واژه «مُؤْمِنَةٌ» حتماً باید ذکر شود تا مشخص شود که مراد برده مسلمان و مؤمن است ولی ابوحنیفه و امامیه قائل به عدم ذکر این واژه بودند.
۵. جمع میان دو حکم مختلف: برای نمونه در آیه ﴿وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ﴾ اگر خوانده شود «يَطْهُرْنَ»، به معنای عدم جواز نزدیکی بدون غسل حیض است و اگر خوانده شود «يَطْهُرْنَ» به معنای جواز نزدیکی پس از پاک شدن و قبل از غسل است؛ بدین ترتیب می‌توان با اختلاف در قرائت، میان دو حکم مختلف جمع نمود.

البته به نظر می‌رسد که اختلاف قرائت در کلام الله مطلوب و مفید نیست.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرَّوَاةِ؛ هَمَانَا قُرْآنَ وَاحِدٍ اسْتِ وَ اَزْ جَانِبِ خُدَايْ وَاحِدٍ نَازِلٌ شُدِه اسْتِ وَ اِخْتِلَافَاتٌ دِيْدِه شُدِه دَر اَن اَزْ جَانِبِ رَاوِيَانِ مَخْتَلَفٌ وَاَرَدَ شُدِه اسْتِ».

تألیف و تدوین قرائات مختلف

اول بار اَبَان بن تَغَلِب (م ۱۴۱ هـ)، از شاگردان امام سجاد (علیه السلام) به این امر پرداخت؛ اما فراوانی انواع قرائات به حدی رسید که برخی از علما به فکر محدود کردن آن افتادند و اول بار قاسم بن سلام تعداد قرائات را به ۲۵ قرائت محدود نمود و پس از او ابن مجاهد (م ۳۲۴ هـ) در کتاب خود به نام السبعة في القرائات تعداد هفت قرائت مطرح کرده و ائمه قرائت را به قراء سبعة محدود ساخت.

اسامی قراء سبعة

۱. عاصم کوفی (م ۱۲۸ هـ)؛
۲. نافع مدنی (م ۱۶۹ هـ)؛
۳. حمزه کوفی (م ۱۵۶ هـ)؛
۴. کسائی کوفی (م ۱۸۹ هـ)؛
۵. ابو عمرو بصری (م ۱۵۴ هـ)؛
۶. ابن کثیر مکی (م ۱۲۰ هـ)؛
۷. ابن عامر شامی (م ۱۱۸ هـ).

اسامی راویان چهارده گانه

در میان راویان هر یک از این قراء، دو راوی نسبت به بقیه مشهورترند:

۱. راویان عاصم: حفص (م ۱۸۰ هـ)، شعبه (م ۱۹۳ هـ)؛
 ۲. راویان نافع: ورش (م ۱۹۷ هـ)، قالون (م ۲۲۰ هـ)؛
 ۳. راویان حمزه: خلف (م ۲۲۹ هـ)، خلاد (م ۲۲۰ هـ)؛
 ۵. راویان کسائی: حفص الدوری (م ۲۴۶ هـ)، ابو الحارث (م ۲۴۰ هـ)؛
 ۶. راویان ابو عمرو: حفص الدوری (راوی کسائی)، سوسی (م ۲۶۱ هـ)؛
 ۷. راویان ابن کثیر: بزّی (م ۲۵۰ هـ)، قُنْبَل (م ۲۹۱ هـ)؛
 ۸. راویان ابن عامر: ابن ذکوان (م ۲۴۲ هـ)، هشام (م ۲۴۵ هـ).
- عبارت مشهور چهارده روایت به همین موضوع اشاره دارد.

جلسه دوم

خلاصه‌ای از تاریخ قرآن (۲)

- ۸..... اهداف درس
- ۸..... تفاوت قرائت، روایت و طریق
- ۸..... رجحان قرائت عاصم و روایت حفص
- ۸..... دلایل رجحان و اعتبار قرائت عاصم نسبت به سایر قرائتات
- ۹..... دلایل رجحان روایت «حفص از عاصم» نسبت به سایر روایات

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ اصطلاحات قرائت، روایت و طریق؛
- ✓ قرائت عاصم و روایات آن و دلایل رجحان آن‌ها بر سایر قرائت و روایات؛
- ✓ نظرات دانشمندان در مورد شخصیت عاصم و حفص و ویژگی‌های قرائت عاصم و روایت حفص.

تفاوت قرائت، روایت و طریق

نحوه خواندن هر کلمه از قرآن، از این سه تعریف خارج نیست:

قرائت: آنچه را هر دو راوی یک قاری بر خواندن آن اتفاق نظر دارند، قرائت گفته و فردی که به او منتسب شده را قاری یا امام القرائه گویند؛ مثلاً قرائت کلماتی را که مورد اتفاق حفص و شعبه (راویان عاصم) باشد، قرائت عاصم گویند.

روایت: آنچه که هر راوی از امام خود نقل می‌کند و با نقل راوی دیگر آن امام متفاوت می‌باشد، روایت آن کلمه نامند؛ مانند: خواندن یک کلمه، مطابق روایت حفص از عاصم و خواندن آن کلمه به صورت متفاوت و مطابق روایت شعبه از عاصم.

طریق: آنچه که به نقل کننده از راوی منسوب است، طریق گویند. خود ناقل را نیز طریق نامند و همچنین نسل‌های بعدی ناقل از طریق قبل را نیز طریق گویند.

رجحان قرائت عاصم و روایت حفص

در میان قرائت مختلف، قرائت عاصم (ابن ابی النّجود کوفی) نسبت به دیگر قرائت، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و نیز از میان راویان عاصم کوفی، روایت حفص نسبت به روایت شعبه، معتبرتر و امروزه متداول‌تر است.

عاصم با یک واسطه، قرائت خود را از امام علی (علیه السلام) گرفته است؛ و حفص نیز همان قرائت را، در واقع با دو واسطه از علی (علیه السلام) روایت کرده است.

دلایل رجحان و اعتبار قرائت عاصم نسبت به سایر قرائت

ابو بکر عاصم ابن ابی النّجود کوفی (م ۱۲۸ هـ) از مردم کوفه و از قرآء معروف هفت‌گانه است. او که شیعی مذهب بوده است، قرآن را بر ابی عبد الرحمن حبیب سلمی که از شیعیان و یاران امام علی (علیه السلام) و دارای مقامی خاص نزد آن حضرت بود، قرائت کرد. (و مورد تأیید وی واقع شد).

عاصم جامع فصاحت و قرائت صحیح و تجوید و دارای صوتی خوش در قرائت قرآن بود. استاد وی، ابو عبد الرحمن سلمی، نیز قرآن را بر علی (علیه السلام) قرائت نمود.

شیخ عبد الجلیل رازی مفسّر که خود، استاد ابن شهر آشوب و ابو الفتوح رازی است، در کتاب^۱ خود، در خصوص تشیع عاصم آورده است:

تشیع، آیین اکثر پیشوایان و استادان علم قرائت بوده است و اکثر قراء مکی، مدنی، کوفی، بصری و عدلیه شیعی بوده‌اند؛ نه مُشَبَّهه و خوارج و جبریه؛ و روایات آنان نیز منقول از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می‌باشد و امثال عاصم نیز شیعه هستند.

خوانساری در *روضات الجنات* می‌نویسد:

عاصم پارساترین و پرهیزگارترین قراء، و رأی او درست‌ترین آرا در قرائت به شمار می‌رود. مساعی عاصم در موضوع قرائت، بیش از همه قراء دیگر جلب‌نظر می‌کند.

علامه حلی در *المنتهی* می‌گوید:

محبوب‌ترین قرائات نزد من، قرائتی است که عاصم از ابی بکر بن عیاش نقل کرده است.^۲

در کتاب *مقدمتان* آمده است؛^۳ ابی بکر بن عیاش گوید:

ابو عبد الرحمن سلمی (استاد عاصم) قرائت را از علی (علیه السلام) نقل کرده است و روایت او از علی (علیه السلام) ناسخ هر گونه قرائت دیگر است. او - سلمی - مقامی خاص نزد علی (علیه السلام) داشته و واجد خصلت ضبط می‌باشد و نیز مقرئ و استاد قرائت حسن و حسین، فرزندان علی (علیه السلام)، است.

عاصم از دیدگاه علمای شیعی و نیز علمای اهل سنت، شخصیتی بارز و با تقوا و مورد اعتماد در مسئله قرائت بوده است. در ابتدای قرن چهارم، ابن مجاهد، قاری بغداد، تنها قرائت عاصم را تعلیم می‌داد. امام احمد بن حنبل نیز قرائت عاصم را بر دیگر قرائت‌ها ترجیح می‌داد و می‌گفت: «عاصم مورد وثوق من بوده و من او را اختیار کرده‌ام».

دلایل رجحان روایت «حفص از عاصم» نسبت به سایر روایات

ابو عمرو حفص بن سلیمان کوفی مشهور به حفص بوده و او را ربیب (فرزند همسر) عاصم می‌دانند. گویند حفص قرآن را پنج آیه پنج آیه از عاصم اخذ کرد. روایت حفص همان قرائت عامه مسلمانان است. مرحوم زنجانی گوید: «وی مردی عالم و آگاه‌ترین اصحاب عاصم نسبت به قرائت وی بوده است».

ابن حصین نیز چنین می‌گوید:

روایت و نقل صحیح قرائت عاصم توسط حفص انجام گرفته است.^۴

ابو بکر خطیب در جایی گفته است:

۱. کتاب *نقض الفصایح علی تشیع عاصم*.

۲. *تأسیس الشیعه*، ص ۳۴۶، ۳۴۷.

۳. *سفینه البحار*، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴. *تاریخ القرآن*، زنجانی، ص ۸۴.

پیشینیان، حفص را از لحاظ حافظه، قوی‌تر از راوی دیگر عاصم (شعبه) می‌دانند.

علامه ابن الجزری در *طیبة النشر* گوید:

حفص از لحاظ اتقان و استحکام قرائت، از دیگران برتر است. خود حفص می‌گوید: «عاصم به من گفت: قرائتی را که به تو آموختم همان است که از ابو عبد الرحمن سلمی اخذ کرده‌ام و او عیناً از علی (علیه السلام) گرفته است و قرائتی را که به ابو بکر شعبه بن عیاش (راوی دیگر) آموختم، قرائتی است که بر زرّ بن حبیب عرضه کرده‌ام و او از ابن مسعود اخذ کرده بود.»^۵

امروز، اکثریت مطلق جهان اسلام، قرآن را به روایت حفص از عاصم می‌نویسند و می‌خوانند.

قواعد این درس نیز براساس روایت حفص از عاصم، از طریق کتاب *طیبة النشر* علامه ابن الجزری (م ۸۳۳ هـ) بیان می‌شود.

۵. *طبقات القراء*، ابن الجزری، ج ۱، ص ۳۴۸.

جلسه سوم

آغاز قرائت و مراتب آن

- ۱۴..... اهداف درس
- ۱۴..... آغاز تلاوت
- ۱۴..... استعاذه
- ۱۴..... بسمله
- ۱۵..... ترتیل قرآن
- ۱۵..... روش‌های سه‌گانه قرائت
- ۱۵..... روش‌های سه‌گانه قرائت
- ۱۵..... قرائت به روش تحقیق
- ۱۵..... قرائت به روش تدویر
- ۱۶..... قرائت به روش تحدیر (حدر)
- ۱۶..... تعریف تجوید با الهام از تعریف ترتیل

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ مفاهیم استعاذه؛
- ✓ بسمله؛
- ✓ تعریف ترتیل؛
- ✓ بیان روش‌های سه‌گانه قرائت، شامل تحقیق، تدویرو تحدیر؛
- ✓ تعریف تجوید.

آغاز تلاوت

بر اساس آموزه‌های قرآنی، مستحب است که قاری قرآن، تلاوت خویش را با استعاذه آغاز نماید.

استعاذه

استعاذه در لغت به معنای پناه بردن است و در اصطلاح قرائت قرآن، عبارت است از ذکر **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** و معنای آن چنین است: از شیطان رانده شده به خداوند پناه می‌برم. البته اصل استعاذه باید در قلب و در نیت قاری واقع شود و هم‌زمان بر زبان وی جاری گردد.

بسمله

بَسْمَلَهُ در لغت به معنای ذکر نام خدا بوده و در اصطلاح قرائت قرآن، عبارت است از ذکر **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**؛ یعنی: به نام خداوند بخشنده مهربان. بسمله در آغاز همه سوره‌های قرآن به غیر از سوره توبه، جزء خود سوره بوده و خواندن آن واجب است؛ اما سوره توبه بدون بسمله نازل شده است و گفتن بسمله در آغاز آن ممنوع است. ذکر بسمله در آغاز تلاوت، از آیات میانی سوره‌ها، مستحب و در ابتدای آیات میانی سوره توبه نیز جایز است. با توجه به این‌که سوره توبه فاقد بسمله بوده؛ اما سوره نمل علاوه بر آغاز خود، یک بسمله نیز در میان سوره (آیه ۳۰) دارد، بنا بر این **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** در کلام الله، به تعداد سوره‌های قرآن، یعنی ۱۱۴ بار آمده است؛ البته عبارت **بِسْمِ اللَّهِ** ۱۱۵ بار در قرآن کریم تکرار شده است.^۶

۶. در آیه ۴۱ سوره هود **بِسْمِ اللَّهِ** آمده است.

ترتیل قرآن

همان گونه که در مقدمهٔ مبحث تجوید مطرح شد در قرآن کریم به صراحت تأکید شده است که آیات کلام الهی با ترتیل خوانده شود. کلمهٔ ترتیل در لغت به معنای منظم و مرتب کردن و در اصطلاح قرآنی عبارت است از: خواندن قرآن به صورت صحیح، شمرده، و همراه با تدبّر در معانی آیات. از مولای متقیان علی (علیه السلام) در تفسیر این کلمه آمده است: «التَّرتیلُ أداءُ الحُرُوفِ وَ حِفْظُ الوُقُوفِ»؛ ترتیل عبارت است از اداء صحیح حروف و رعایت محل‌های وقف.

روش‌های سه‌گانهٔ قرائت

از مبحث تعریف ترتیل چنین بر می‌آید که قرآن فقط به این روش خوانده می‌شود و سرانجام هر نوع قرائتی، نباید از حد و مرز ترتیل خارج شود؛ اما ترتیل قرآن می‌تواند با سرعت کند، متوسط و تند انجام گیرد.

روش‌های سه‌گانهٔ قرائت

الف) تحقیق

ب) تدویر

ج) تحدیر (حَدْر)

قرائت به روش تحقیق

تحقیق در لغت به معنای حق چیزی را به جای آوردن، بدون کمی و زیادی و به حقیقت چیزی رسیدن؛ و در اصطلاح قرائت عبارت است از: قرائت قرآن با حداکثر آرامش و تأنی که در این صورت، تمامی قواعد تجویدی به صورت کامل انجام شده و تدبّر در معانی آن نیز به خوبی امکان پذیر است.

تحقیق روشی است که از آن، جهت تعلیم قرائت قرآن به شاگردان و نیز تمرین و ممارست، جهت کسب مهارت هر چه بیش‌تر در اداء قواعد، استفاده می‌شود. اکثر قریب به اتفاق تلاوت قرآن در محافل و مجالس، به روش تحقیق صورت می‌گیرد.

قرائت به روش تدویر

تدویر در لغت، به معنای گرد کردن، دوره کردن، چرخاندن؛ و در اصطلاح قرائت، عبارت است از قرائت قرآن با سرعت متوسط؛ یعنی نه به کندی تحقیق و نه به تندی تحدیر. ممکن است علت نامگذاری این روش به تدویر، سنت دوره کردن و ختم قرآن با سرعت متوسط باشد.

این همان روشی است که امروزه به ترتیل مشهور شده است؛ حال آن‌که ترتیل، مافوق یک روش و سرعت خاص است و شاید بدین دلیل باشد که تدویر، بهترین نوع ترتیل است.

به طور معمول تلاوت یک جزء از قرآن کریم با این روش، حدود یک ساعت به طول می‌انجامد که امروزه گاه از سوی رسانه‌های دیداری و شنیداری به مناسبت، پخش می‌شود.

قرائت به روش تحدیر (حدر)

حدر در لغت به معنای حرکت در سراسیمی است و در قرائت قرآن، عبارت از تلاوت کلام الله با سرعت زیاد می‌باشد؛ البته بلافاصله تأکید می‌شود که حدر نباید از حد ترتیل خارج شود.

تلاوت به این روش، برای قاریانی میسر است که در اداء قواعد تجویدی و نیز فهم معانی آیات، دارای مهارت بالایی باشند؛ چراکه خواندن قرآن با سرعت زیاد، حروف و کلمات را در معرض آسیب لفظی قرار می‌دهد و نیز فرصت تدبّر در آیات را کاهش می‌دهد. در فایده قرائت به روش حدر به کسب ثواب افزون‌تر در تلاوت آیات الهی اشاره کرده‌اند.

در یک جمع بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که منظور از قرائت‌های سه‌گانه عبارت است از:

۱. تلاوت به روش تحقیق = بسیار بسیار شمرده؛

۲. تلاوت به روش تدویر = بسیار شمرده؛

۳. تلاوت به روش حدر = شمرده.

تعریف تجوید با الهام از تعریف ترتیل

در تعریف ترتیل از دیدگاه امام علی (علیه السلام) آمده بود: «ادای صحیح حروف و حفظ محل‌های وقف».

از بخش اول این تعریف ادای صحیح حروف یعنی بحث تجوید؛ و از قسمت دوم نیز بحث وقف و ابتداء حاصل می‌شود.

تجوید در لغت به معنای تحسین، حسن بخشیدن، تزئین؛ و در اصطلاح، عبارت است از: ادای صحیح هر حرف از لحاظ مخرج^۷، صفات^۸ و احکام^۹ آن حرف. بنا بر این می‌توان گفت علم تجوید قرآن به سه مبحث کلی مخارج، صفات و احکام تقسیم می‌شود.

۷. مخرج به معنای محل خروج و در تجوید عبارت است از: جایگاه تولید حرف در دستگاه تکلم؛ به عنوان مثال حرف «ب» از تماس دو لب بالا و پایین تولید می‌شود؛ لذا مخرج حرف «ب» عبارت است از: شَفَتَین (دو لب).

۸. صفات به معنای حالت شیء و در تجوید، عبارت است از: شیوه و چگونگی تولید حرف؛ به عنوان مثال حرف «ب» دارای صفت شدت است؛ بدین معنا که در هنگام تلفظ آن، جریان خروجی صوت و هوا از دستگاه تکلم به طور کامل قطع می‌شود.

۹. احکام حالاتی است که در اثر ترکیب در کلمه (مجاورت با حروف و صداها) برای حرف پیش می‌آید؛ مثلاً حرف «ب» در صورت سکون و قرار گرفتن قبل از «م»، حذف می‌شود و «م» مشدد می‌گردد. در این صورت گویند: حرف «ب» در «م» استحقات حکم ادغام یافته است.

جلسه چهارم

همزه وصل - طرق وقف

- اهداف درس ۱۸
- همزه وصل ۱۸
- همزه قطع ۱۸
- نحوه تشخیص حرکت همزه وصل در ابتداء به کلمات ۱۸
- الف) همزه وصل در حرف ۱۸
- ب) همزه وصل در اسم ۱۸
- ج) همزه وصل فعل ۱۸
- چند نکته ۱۹
- طرق وقف ۱۹
- تعریف وقف ۱۹
- طرق وقف بر آخر کلمات ۱۹
- الف) وقف ابدال ۱۹
- موارد وقف ابدال ۲۰
- ۱. هاء تانیث (تاء گرد) ۲۰
- ۲. تنوین ۲۰
- ب) وقف اسکان ۲۰
- وقف بر هفت کلمه در قرآن ۲۰
- تمرین عملی ۲۰

اهداف درس

آشنایی با:

✓ همزه وصل و قطع؛

✓ ذکر اقسام همزه وصل و چگونگی ادای آن در ابتدا؛

همزه وصل

تلفظ کلماتی که با سکون یا تشدید آغاز می‌شوند، دشوار و یا حتی غیر ممکن است، لذا برای سهولت در ابتدا به چنین کلماتی، از یک الف به نام همزه وصل استفاده می‌شود.

همزه وصل در ابتدا به این کلمات خوانده می‌شود؛ اما در میان کلام حذف می‌گردد؛ مثال: اَنْصُرُنِي، رَبِّ اَنْصُرُنِي (رَبَّنصُرُنِي)

معمولاً در قرآن بر بالای همزه وصل، علامت صاد کوچک (أ) قرار می‌گیرد.

همزه قطع

در مقابل همزه وصل، همزه دیگری وجود دارد که به همزه قطع مشهور است و در آغاز و میان کلام خوانده می‌شود؛ مثال: اَنْزَلْنَاهُ - اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ

نحوه تشخیص حرکت همزه وصل در ابتداء به کلمات

همزه وصل در آغاز هر سه نوع کلمه زبان عرب - زبان قرآن - واقع می‌شود.

الف) همزه وصل در حرف

در قرآن تنها کلمه‌ای که حرف محسوب شده و همزه وصل دارد، حرف تعریف ال (الف لام) می‌باشد؛ در واقع، الف در حرف تعریف، همان همزه وصل است. این همزه در ابتدا، مفتوح است؛ مانند: سَوْءُ الدَّارِ ← الدَّارِ

ب) همزه وصل در اسم

همزه وصل در کلماتی که اسم محسوب می‌شوند، در صورت ابتدا، مکسور است.

این کلمات در قرآن عبارت‌اند از:

اِبْنِ (پسر) - اِبْنَتَ (دختر) - اَمْرَءَ (مرد) - اَمْرَأَتَ (زن) - اَسْمِ و کلمات اَثْنِي - اَثْنَا - اَثْتِي - اَثْنَانَا - اَثْنَيْنِ - اَثْنَانِ - اَثْنَيْنِ (همگی به معنای دو).

ج) همزه وصل فعل

در قرآن بقیه کلماتی که دارای همزه وصل می‌باشند، فعل هستند.

پس از همزه وصل فعل، اگر علامت اولین حرف متحرکه ضمه باشد، همزه وصل نیز مضموم خواهد بود و در غیر این صورت مکسور خوانده می‌شود.

مثال همزه وصل افعال و مصدر افعال:

(رَبَّ أَنْصُرْنِي ← أَنْصُرْنِي) - (فِيْمَا أَفْتَدْتُ ← إِفْتَدْتُ) - (قَالَ اتَّقُوا ← اتَّقُوا) - (رَبَّنَا أَعْفِرْ لَنَا ← إِعْفِرْ لَنَا) - (عَلَيْهَا أَفْتِرَاءً ← إِفْتِرَاءً)

چند نکته

۱. همزه وصل چند فعل زیر بر خلاف ظاهر قاعده، به جای ضمه، کسره خوانده می‌شود:

إِفْضُوا - إِبْنُوا - إِمْشُوا - إِمْضُوا - إِئْتُوا - إِهْدُوا

۲. همزه وصل در کلمات زیر هنگام ابتداء، به جای کسره با حرکت یاء مدی خوانده می‌شود (در واقع همزه ساکنه به یاء مدی تبدیل می‌گردد).

(إِئْتِ ← اِئْتِ) - إِئْتِنَا - إِئْتِيَا - اِئْتُوا - اِئْتُونِي - اِئْتِنُ

۳. همزه وصل در کلمه اَوْثْمِنَ در ابتداء، به جای ضمه، با حرکت واو مدی خوانده می‌شود (در واقع همزه ساکنه به واو مدی تبدیل می‌گردد). ← اَوْثْمِنَ

طرق وقف

باب وقف و ابتداء، از مباحث مهم قرائت کلام الله مجید است؛ چراکه قاری قرآن علاوه بر رعایت قواعد و احکام تجویدی، باید قادر به تشخیص محل مناسب وقف و ابتداء در آیات کتاب الهی باشد. البته در این درس، به نحوه وقف بر آخر کلمات می‌پردازیم و بحث در مورد محل‌های مناسب وقف و ابتدا در عبارات قرآنی را به درس بعدی موکول می‌کنیم.

تعریف وقف

کلمه وقف در لغت به معنای سکون، از حرکت باز ماندن یا باز داشتن و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: قطع صوت در هنگام قرائت، همراه با تجدید نفس و سپس ادامه قرائت.

طرق وقف بر آخر کلمات

وقف بر آخر کلمات به دو روش صورت می‌گیرد:

۱. ابدال؛

۲. اسکان.

الف) وقف ابدال

کلمه ابدال در لغت، به معنای تبدیل کردن - دگرگون نمودن و در مبحث وقف و ابتداء، عبارت است از: تبدیل حرف آخر کلمه به حرفی دیگر در هنگام وقف.

موارد وقف ابدال

۱. هاء تأنیث (تاء گرد)

وقتی آخر کلمه به هاء تأنیث (تاء گرد) ختم می‌گردد، این نوع تاء در وقف به هاء ساکنه تبدیل می‌شود.
مثال: (رَحْمَةً ← رَحْمَهُ) - (نِعْمَةً ← نِعْمَهُ) - (حَيَوَةً ← حَيَوَهُ) - (التَّوْرِيَةَ ← التَّوْرِيَهُ) - (الصَّلَاةَ ← الصَّلَاةُ) - (تُقِيَّةً ← تُقِيَّهُ)

۲. تنوین

در کلماتی که به تنوین نصب (ـِ) ختم شده‌اند، این تنوین در وقف به الف مدی تبدیل می‌شود.
مثال: (حِسَابًا ← حِسَابِا) - (هُدًى ← هُدًىا) - (مَاءً ← مَاءِا)

ب) وقف اسکان

اسکان به معنای ساکن نمودن و در اصطلاح قرائت، عبارت است از: ساکن نمودن حرف آخر کلمه هنگام وقف.
در بقیه کلمات (غیر از موارد وقف ابدال)، حرف آخر کلمه با هر حرکتی، هنگام وقف فقط ساکن می‌شود.
مثال: (مَقَاعِدَ ← مَقَاعِدُ) - (كُتِبَ ← كُتِبِ) - (يَوْمٌ ← يَوْمِ) - (هُوَ ← هُوِ) - (هِيَ ← هِيِ) - (نَفْسٍ ← نَفْسِ) - (بَصِيرٌ ← بَصِيرِ)

طبعاً کلماتی که حرف آخرشان ساکن است یا به حرف مدی ختم شده‌اند، بدون تغییر وقف می‌شوند.

وقف بر هفت کلمه در قرآن

در کلمات ذیل، حرف مفتوح آخر کلمه، هنگام وقف، برخلاف قاعده اسکان، به الف مدی خوانده می‌شود:
آنا (در هر جای قرآن) - لَكِنَّا (کهف/۳۸) - الظُّنُونَا، الرَّسُولَا، السَّبِيلَا (احزاب/۱۰، ۶۶، ۶۷) - قَوَارِيرَا (دهر/۱۵، اولین مورد) - سَلَاسِلَا (دهر/۳)؛ البته این مورد آخر، به اسکان نیز وقف می‌شود.

تمرین عملی

۱. حرکت همزه وصل در کلمات ذیل را مشخص کرده و به صورت شمرده بخوانید:

أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ - أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ - أَعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ - أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ - أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ - أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ - الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ - أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا - أَذْهَبَ إِلَيَّ فِرْعَوْنُ - أَنْفِرُوا خِفَافًا - أَدْفَعُ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ - أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ - أَتَوْا - أَوْتَمِنَ

۲. کلمات زیر را با فرض وقف بخوانید:

مَا وُورِيَ - أَوَاهُ مُنِيبٌ - عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا - لَكِنَّا - مِنْ وَرَائِهِ - عَرَبِيٌّ - وَ لَا تُؤْمِنَنَّ - وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ - شَيْءٌ - كُتِبَ قِيمَةً - مَا الثَّاقِرَةَ - يَعْفُو - لِيَبْدِيَ - التَّوْرِيَةَ

۳. سوره بلد را تلاوت کرده، طرق وقف را در آن مشخص نموده و رعایت کنید؟

جلسه پنجم

باب وقف و ابتدا

اهداف درس	۲۲
وقف و ابتدا در عبارات قرآنی	۲۲
اقسام وقف بر عبارات قرآنی	۲۲
الف) وقف اختیاری	۲۲
ب) وقف اضطراری	۲۳
ابتدا	۲۳
علائم وقف	۲۳
علائم شش گانه سجاوندی	۲۳
۱. «م»	۲۳
۲. «ط»	۲۴
۳. «ج»	۲۴
۴. «ز»	۲۴
۵. «ص»	۲۴
۶. «لا»	۲۵
سایر علائم وقف	۲۵
۱. قلی (قِلا)	۲۵
۲. صلی (صِلا)	۲۵
۳. : :	۲۵
وقف بر پایان آیه	۲۶
تمرین عملی	۲۶

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ بخش دوم وقف و ابتدا (وقف در عبارات قرآنی)؛
- ✓ توضیح انواع وقف، شامل: وقف اختیاری و اضطراری؛ و نیز بیان انواع وقف اختیاری، شامل: وقف تام، وقف کافی، وقف حسن و وقف قبیح و بیان حکم آنها؛
- ✓ تعریف ابتدا و نکات مربوط به آن؛
- ✓ علائم وقف، شامل: م، ط، ج، ز، ص، لا، قلی، صلی و ...؛
- ✓ وقف بر پایان آیه.

وقف و ابتدا در عبارات قرآنی

بحث وقف و ابتدا در عبارات قرآنی از مباحث مهم و در واقع از ضروریات تلاوت کلام الله مجید است؛ چراکه گاه در اثر رعایت نکردن این مسئله معنای عبارت قرآنی مخدوش و دگرگون می‌شود؛ لذا قاری قرآن برای تشخیص محل صحیح وقف و ابتدا نیازمند فهم معانی آیات است.

اقسام وقف بر عبارات قرآنی

وقف بر دو نوع است:

الف) اختیاری

ب) اضطراری

الف) وقف اختیاری

وقف اختیاری وقفی است که با اراده قاری صورت می‌گیرد و خود بر چهار قسم است:

۱. وقف تام

وقف تام وقفی است که کلام از نظر لفظ و قواعد دستور زبان و نیز معنا به بعد از خود وابستگی نداشته باشد (موضوع در عبارت بعدی تغییر کند)؛ مانند وقف بر ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ و ابتدا از ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ حکم وقف تام: در هنگام وقف تام باید وقف کرده و از عبارت بعد ابتدا نمود.

۲. وقف کافی

وقفی است که کلام از نظر لفظ ناقص نیست، اما از نظر معنا و موضوع مورد بحث با عبارت بعد از خود ارتباط دارد (موضوع در عبارت بعدی ادامه دارد)؛ مانند وقف بر ﴿فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ و ابتدا از ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...﴾

حکم وقف کافی: در وقف کافی، وقف و سپس ابتدا از بعد و نیز وصل آن جایز است.

۳. وقف حَسَن

وقفی است که عبارت اول ناقص نیست، اما عبارت بعدی از نظر لفظی ناقص و به قبل وابسته است؛ مانند وقف بر (الْحَمْدُ لِلَّهِ) در آیه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.

حکم وقف حسن: وقف بر آن بلا اشکال است، چون معنا را ناقص نمی‌گذارد، اما ابتدا از بعد جایز نیست.

۴. وقف قَبِيح

وقفی است که عبارت اول از نظر لفظ ناقص و به مابعد خود وابسته باشد؛ مانند: وقف بر کلمه «الله» در آیه شریف ﴿فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ اسْحَقَ وَيَعْقُوبَ﴾.^{۱۰}

حکم وقف قبیح: طبعاً وقف بر آن جایز نیست.

ب) وقف اضطراری

وقفی است که در اثر اتمام نفس، بروز عطسه، فراموشی آیه و ... پیش آید و چاره‌ای به جز وقف نباشد. بدیهی است پس از رفع عامل اضطراری لازم است مجدداً از محل مناسب ابتدا گردد.

ابتدا

اهمیت ابتدای صحیح در آیات قرآنی کم‌تر از وقف نیست و باید از محلی ابتدا نمود که معنای عبارت را مخدوش و ناقص نسازد. در صورت وقف اضطراری، به سبب طولانی بودن آیه و کمبود نفس، باید از بهترین و مناسب‌ترین محل ممکن آغاز کرد.

علائم وقف

با توجه به اهمیت انتخاب محل صحیح وقف و ابتدا در کلام الله و از دیگر سو با عنایت به این که اکثر مردم مسلمان آشنایی کافی با زبان عربی ندارند و در این امر دچار مشکل می‌شوند، علمای علم قرائت علائمی را وضع نموده‌اند که با کمک این علائم و رموز می‌توان در محل‌های صحیح وقف نمود. علامه سجاوندی اولین کسی بود که به وضع این علائم پرداخت که به رموز سجاوندی مشهور گردید و البته بعداً علائم دیگری نیز پیشنهاد شد که در این درس خواهد آمد.

علائم شش گانه سجاوندی

۱. «م»

«م» علامت وقف لازم است؛ یعنی وقف لازم است و وصل آن موجب تغییر معنی می‌شود؛ مثال:

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ^{۱۱}

۱۰. مریم / ۴۹.

۱۱. انعام / ۳۶.

تنها کسانی [دعوت تو را] اجابت می‌کنند که گوش شنوا دارند و [اما] مردگان را خداوند [در قیامت] بر خواهد انگیخت، سپس به سوی او بازگردانیده می‌شوند.

۲. «ط»

«ط» علامت وقف مطلق است. تأکید می‌شود وقف کنید؛ چون موضوع مورد بحث تمام شده است؛ مثال:
 أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ط وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَنْصِيرٍ؛
 مگر ندانستی که فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ و شما جز خدا سرور و
 یآوری ندارید؟

۳. «ج»

«ج» علامت وقف جایز است؛ در واقع وقف و وصل هر دو جایز است؛ مثال:
 نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى؛
 ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان
 ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم.

۴. «ز»

«ز» علامت وقف مجوز است؛ در واقع وصل آن بهتر است؛ مثال:
 فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ
 در دل‌هایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود؛ و به [سزای] آنچه به دروغ
 می‌گفتند عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت.

۵. «ص»

«ص» علامت وقف مرخص است. به علت طولانی بودن نفس، رخصت داده می‌شود وقف کنید و از کلمه
 بعد ابتدا نمایید؛ مثال:

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ
 الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ص فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی گسترده و آسمان را بنایی [افراشته] قرار
 داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس برای
 خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید.

۱۲. کهف/ ۱۳.

۱۳. بقره/ ۱۰.

۱۴. بقره/ ۲۲.

۶. «لا»

«لا» علامت وقف ممنوع است؛ یعنی نباید وقف کرد؛ اگر به هر علت وقف کنید، باید حتماً بر گردید و از محل مناسب ابتدا کنید؛ مثال:

فَلَمَّا اعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ^{۱۵}

و چون از آن‌ها و [از] آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم.

گاهی علامت «لا» در مورد وقف حسن نیز به کار می‌رود و مقصود این است که در آن محل وقف نکرده و در صورت وقف از ما بعد آن ابتدا نکنید.

سایر علائم وقف

۱. قلی (قلا)

«قلی» به معنای اَلْوَقْفُ اَوْلَى است؛ یعنی وقف بهتر از وصل است.

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ^{۱۶}

رحمت خود را به هر کس که بخواهد مخصوص می‌گرداند و خداوند دارای بخشش بزرگ است.

۲. صلی (صلا)

«صلی» به معنای اَلْوَصْلُ اَوْلَى است؛ یعنی وصل بهتر از وقف است (مانند وقف مجوز).

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند؛ باشد که راه یابند.

۳. :: ::

این دو مجموعه سه نقطه‌ای (:: ::) علامت وقف معانقه است و اگر به روی دو کلمه نزدیک به هم واقع شود بدین معنا است که بر هر کدام وقف شود، بر دیگری نباید وقف کرد؛ مثال:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ^{۱۸}

۱۵. مریم / ۴۹.

۱۶. آل عمران / ۷۴.

۱۷. بقره / ۱۸۶.

۱۸. بقره / ۲.

این است کتابی که در (حقانیت) آن هیچ تردیدی نیست (و) مایه هدایت تقوایشگان است ﴿

وقف بر پایان آیه

وقف بر پایان آیه جزء سنن نبوی (صلی الله علیه وآله) است؛ حتی اگر ناقص باشد (هرچند در این موارد، وصل بهتر است).

تمرین عملی

۱. سوره احقاف را تلاوت کرده و علائم وقف را در آن رعایت کنید.
۲. مثال‌های درس را با رعایت علائم وقف تلاوت نمایید.

جلسه نهم

تلفظ صحیح حرکات و حروف (۱)

- اهداف درس ۲۸
- تلفظ صحیح حرکات (کلید اول لهجه عرب) ۲۸
- مقدمه ۲۸
- مقایسه حرکات کوتاه و کشیده در زبان فارسی ۲۸
- الف) تفاوت کمی ۲۸
- ب) تفاوت کیفی ۲۸
- تلفظ صحیح حرکات عربی ۲۹
- تلفظ صحیح حروف (کلید دوم لهجه عرب) ۲۹
- مقدمه ۲۹
- تعداد حروف زبان عربی ۲۹
- انواع الف ۲۹
- تلفظ ده حرف متفاوت با فارسی ۳۰
- الف) حرف ث ۳۰
- ب) حرف ح ۳۰
- ج) حرف ذ ۳۰
- تمرین عملی ۳۱

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ کلید اول لهجه عرب، یعنی تلفظ صحیح حرکات؛
- ✓ مقایسه حرکات کوتاه و کشیده در زبان فارسی و عربی و نیز شیوه تلفظ صحیح در زبان فارسی؛
- ✓ آشنایی با کلید دوم لهجه عرب یعنی تلفظ حروف؛ تلفظ ث، ح، ذ.

تلفظ صحیح حرکات (کلید اول لهجه عرب)

مقدمه

همان طور که در مقدمه این مجموعه آمد، تلاوت کلام الله مجید به صورت مطلوب، مستلزم رعایت احکام و قواعد تجویدی است؛ اداء صحیح این قواعد، جز در بستر لهجه عرب، پسندیده و حتی چه بسا میسر نیست. شایان ذکر است تلفظ صحیح حرکات و حروف یک زبان و حتی لهجه، از مهم‌ترین پایه‌های تکلم و سخن گفتن به شمار می‌رود و می‌توان از آن‌ها به عنوان کلیدهای لهجه یاد نمود.

مقایسه حرکات کوتاه و کشیده در زبان فارسی

با کمی دقت می‌توان دریافت که بین حرکات کوتاه و کشیده زبان فارسی دو نوع تفاوت وجود دارد:

۱. تفاوت کمی؛

۲. تفاوت کیفی.

الف) تفاوت کمی

در زبان فارسی از لحاظ زمانی، حرکات کشیده (الف، یاء و واو مدّی)، دو برابر حرکات کوتاه (فتحه، کسره و ضمه) تلفظ می‌شوند.

ب) تفاوت کیفی

حرکات کشیده فارسی، غیر از تفاوت در زمان کشش، از لحاظ نحوه و کیفیت تلفظ نیز با حرکات کوتاه مغایرت دارند.

مثلاً در کلمه سَر، فتحه «سین» علاوه بر کوتاهی زمان تلفظ، از لحاظ کیفیت با الف مدّی در کلمه سار متفاوت است. دهان در فتحه فارسی، حالت افقی، و در الف مدّی، حالت عمودی و پرجم به خود می‌گیرد.

سَر ↑ سار

لذا در فارسی هر قدر صدای فتحه سَر را بکشیم، به صدای الف سار تبدیل نخواهد شد و بالعکس؛ اگر الف سار را نصف کنیم، صدای سَر ایجاد نمی‌شود. همین تفاوت را عیناً در مورد کسره و یاء مدّی و نیز ضمه و واو مدّی ملاحظه می‌کنیم:

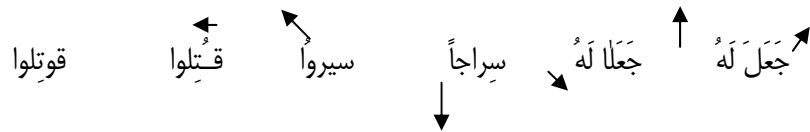
سَر - سیر ↓ سیر - سور

تلفظ صحیح حرکات عربی

اکنون به قانون زبان عربی توجه کنید:

در زبان عرب، بین حرکات کوتاه و کشیده، فقط تفاوت کمی وجود دارد؛ یعنی الف مدّی از لحاظ کیفی، عیناً مانند فتحه، اما از لحاظ زمانی، دو برابر آن تلفظ می‌شود. به بیان دیگر، همان گونه که در فتحه، دهان تقریباً حالت افقی پیدا می‌کند، در الف مدّی عرب نیز همین حالت پیش می‌آید؛ به این ترتیب در لهجه عرب، اگر فتحه را ادامه دهیم، الف مدّی تولید می‌شود و بالعکس؛ اگر الف مدّی را کوتاه کنیم، به فتحه تبدیل می‌گردد. همین حالت بین کسره و یاء مدّی و نیز بین ضمه و واو مدّی دیده می‌شود.

به این مثال‌ها توجه کنید:



تلفظ صحیح حروف (کلید دوم لهجه عرب)

مقدمه

تلفظ صحیح حروف، دومین کلید مهم در تلفظ به هر زبانی است.

در این درس می‌آموزیم که حروف زبان عرب چگونه تلفظ می‌شوند؛ اما بهتر است قبل از ورود به بحث اصلی، در این درس، اشاره‌ای به تعداد و اسامی حروف زبان عربی داشته باشیم.

تعداد حروف زبان عربی

تعداد حروف زبان عربی را برخی ۲۹ حرف و عده‌ای دیگر ۲۸ حرف می‌دانند. لازم به ذکر است که این اختلاف به الف مدّی باز می‌گردد که در صورت محاسبه آن به عنوان یک حرف مستقل، تعداد حروف ۲۹ حرف خواهد شد.

علت این نوع محاسبه را شاید بتوان در عدم وابستگی صدای الف مدّی به دیگر حروف دانست؛ حال آن که دو حرف (صدای) مدّی دیگر یعنی یاء مدّی و واو مدّی، یکی به حرف یاء و دیگری به حرف واو وابسته است و در واقع، می‌توان آن‌ها را یکی از اشکال این حروف اصلی دانست (یاء مدّی همان یاء ساکن ما قبل مکسور و واو مدّی، همان واو ساکن ماقبل مضموم می‌باشد).

اما اگر الف مدّی را یک حرف مستقل ندانسته، بلکه مانند دو حرف دیگر، فقط یک صدای کشیده بدانیم، در این صورت، تعداد حروف الفبای عربی، ۲۸ حرف خواهد شد.

انواع الف

در حال حاضر، فرهنگ‌های لغت عرب، تعداد حروف را ۲۸ حرف ذکر می‌کنند که عبارت‌اند از:

الف - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء (زای) - سین - شین - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

و آن گاه اولین حرف، یعنی الف را به دو نوع تقسیم می‌کنند:

۱. الف مدّی؛

۲. الف غیر مدّی (همزه).

مثال الف مدّی: کِتَاب - ضُحیٰ - اَدْرِیکَ - صَلوٰة - هَذَا.

مثال الف غیر مدّی (همزه): اَقْل - یَأْخُذُ - دَفْءٌ - یُوَثِّرُ - خَطِیئَةٌ - ماءٌ - یَشَأُ - یَسْتَهْزِئُ.

تلفظ ده حرف متفاوت با فارسی

با مقایسه تلفظ حروف در زبان عربی، به سادگی می‌توان دریافت که در بین حروف عربی، فقط تلفظ ده حرف با زبان فارسی متفاوت است. تلفظ بقیه حروف بین زبان عربی و فارسی مشترک است؛ مثلاً تلفظ «س» عربی با «سین» فارسی کاملاً یکسان است؛ مانند تلفظ کلمه سلام در هر دو زبان.

اما حروف ده گانه متفاوت عبارت‌اند از:

ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - و

الف) حرف ث

این حرف در فارسی مانند سین تلفظ می‌شود، اما عرب آن را به اصطلاح، نوک زبانی و کم حجم بیان می‌کند (مانند کودکی که نوک زبانی صحبت می‌کند). برای این کار نوک زبان را با دندان‌های جلو در آرواره بالا مماس کرده و هوا را خارج می‌کنیم (از فشار اضافی نوک زبان به دندان‌ها خودداری می‌شود).

مثال: (اِسْمٌ - اِثْمٌ) - (یَلْبَسُونَ - یَلْبِثُونَ) - (تَسْبِرٌ - تُثْبِرٌ)

تمرین: ثَوَابٌ - لِبِثٌ - ثَلَاثٌ - ثَامِنُهُمْ - مَثَابَةٌ - ثُمَّ - ثُلُثٌ - ثَلَاثُونَ - مَثُوبَةٌ - الثَّقَالُ - جَائِثَةٌ - کَثِیراً - بَثِی - مَثْنِی - یُثْرِبُ - مَبْثُوثٌ.

ب) حرف ح

تلفظ این حرف، با گرفتگی خاصی در حلق همراه است. در تجوید به این حالت بُحَّة گویند. صدای «ح» در حلق، شبیه آن است که کسی بخواهد، پوست تخمه‌ای را که در حلق، گیر کرده با فشار خارج کند. این حرف، کم حجم ادا می‌شود.

مثال: (أَهْوٰی - أَحْوٰی) - (أَهْلٌ - أُحِلٌّ)

تمرین: حَسْبِوَا - حَمِیدٌ - یُحَاسِبُکُمْ - حَاجِزاً - حُسْنًا - حُرْمَتٌ - دُحُورًا - مُفْلِحُونَ - حِسَابٌ - رَحِمٌ - نُوحِی - رَحِیمٌ - أَحْسَنٌ - نُحِی - الرِّیَاحُ

ج) حرف ذ

این حرف نیز نوک زبانی، کم حجم و نازک تلفظ می‌شود؛ البته از فشار زیاد نوک زبان به دندان‌های بالا باید اجتناب کرد.

مثال: (ذَاقُوا - زَاقُوا)

تمرین: ذَهَبُوا - تَدْرُ - ذَلِكَ - اذَاعُوا - نُذِرُ - ذُبَابًا - ذُوْقُوا - خُذُوهُ - ذِرَاعًا - ذِكْرِي - الَّذِينَ - ذِي قُوَّةٍ - يَوْمَئِذٍ

تمرین عملی

۱. قرائت سورة فاتحة الكتاب و سورة اخلاص را به لهجه عربی تمرین کرده و یک بار بخوانید (سعی کنید نمازهایتان را نیز از این پس به لهجه عربی بخوانید).

۲. این کلمات را یک بار با لهجه فارسی و بار دیگر با لهجه عربی بخوانید:

لَنَا - شَفَا - لِبَاسٍ - لَكُمَا - فِيهِمَا - يُرْسِلُ - مُمِدُّكُمْ - مَلَائِكَةٌ - اِيْمَانًا - قُلُوبِهِمْ - قُلُوبِهِمْ - مُؤْمِنِينَ - لِيَزِدَادُوا - لِيُرَدُّوهُمْ.

۳. کلمات ذیل را به لهجه عربی بخوانید.

أَمِنُوا - آمِنُوا	قُوتِلُوا - قُتِلُوا	جَلَسَهُ	نَتَى - جَنَّةٍ
مَالِكٍ - مَلِكٍ	تَدْعُوهُمْ - تَدْعُهُمْ	أَتَيْهِمْ - أَتِيَهُمْ	
أَرْحَامٍ - أَرْحَمٌ يَرْغَبُوا - يَرْغَبُ	بَعْدَى - بَعْدٍ		
كَاذِبًا - كَذِبًا	أُتُوا - أُتُوا	عَذَابِي - عَذَابٍ	
ذَهَابٍ - ذَهَبٍ	تَجِدُوا - تَجِدُ	سِينِينَ - سِينٍ	
كَسَبًا - كَسَبَ	هُودًا - هُدًى	مَسَاكِينَ - مَسَاكِنَ	

۴. سوره‌های زلزله و عادیات را تلاوت نموده و در تلفظ حرف ثاء، حاء و ذال دقت نمایید.

۵. کلمات زیر را با رعایت مخارج حروف بخوانید.

جَائِيَةً - مَبْثُوثَةً - أَهْوَى - أَحْوَى - أَهْلٌ - أَهْلٌ - وَ نَحْنُ نَسْبِحُ بِحَمْدِكَ - ذَاقُوا - زَاعُوا - وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا - فَادَّنَ مُؤَدِّنٌ

جلسه هفتم

تلفظ صحیح حرکات و حروف (۲)

اهداف درس	۳۴
تلفظ صحیح حروف	۳۴
الف) حرف «ص»	۳۴
ب) حرف «ض»	۳۴
ج) حرف «ط»	۳۴
د) حرف «ظ»	۳۵
ه) حرف «ع»	۳۵
و) حرف «غ»	۳۵
ز) حرف «و»	۳۵
نکاتی در تلفظ حروف مشترک زبان فارسی و عربی	۳۶
حرف «ت»	۳۶
حرف «ج»	۳۶
حرف «خ»	۳۶
حرف «ر»	۳۶
حرف «ش»	۳۶
حرف «ق»	۳۶
حرف «ک»	۳۶
حرف «ی»	۳۶
تمرین	۳۶
تمرین عملی	۳۶

هدف درس

✓ فرا گرفتن شیوه تلفظ هفت حرف «ص»، «ض»، «ط»، «ظ»، «ع»، «غ» و «و» در عربی.

تلفظ صحیح حروف

در این درس، تلفظ صحیح هفت حرف دیگر متفاوت با فارسی را فرا می‌گیریم.

الف) حرف «ص»

حرف «صاد» را باید مانند «سین»، اما پر حجم و درشت تلفظ کنیم. در علم تجوید، به حالت پر حجمی صدا تفخیم گویند؛ بنا بر این «ص» سین تفخیم شده (سین مَفخَّم) است.

برای تلفظ این حرف، صدای خود را در گلو پر حجم می‌کنیم (به اصطلاح باد در گلو می‌اندازیم). تأکید می‌شود در تلفظ «ص» باید از سوت زدن بی‌مورد اجتناب کرد.

مثال: (عسی - عصی) - (قَسَمْنَا - قَصَمْنَا) - (تَصِيرُ - تَسِيرُ - تُتِيرُ)

تمرین

صَدَقَ - قَصَصَ - لَصَادِقٌ - صَالِحِينَ - صُحُفٍ - الصُّلْحُ - صُورَةٌ - نَصُوحًا - صِرَاطٌ - يَفْصِلُ - نَوَاصِي - أَصِيلاً - مَحِيصٌ

ب) حرف «ض»

تلفظ این حرف در زبان عربی، کمی دشوار است. «ضاد» از تماس کناره زبان (از هر طرف که مقدور باشد) با دندان‌های آسیای بالا و با صدای پر حجم و درشت تلفظ می‌شود. نوک زبان در این لحظه باید آزاد بوده و با دندان و یا لثه در تماس نباشد. ضاد حرفی است سرکش؛ و تلفظ صحیح و اصیل آن به تمرین زیاد نیازمند است؛ البته اگر در تلاوت اکثر اساتید و قراء مشهور دقت کنیم، می‌بینیم که امروزه «ض» مانند «د» تلفظ می‌شود؛ اما پر حجم و درشت. (دال مَفخَّم: دال پر حجم)

البته در این صورت بهتر است مانند حرف دال با شدت کامل همراه نباشد و نرم تلفظ شود.

مثال: (نَزِيدٌ - نَضِيدٌ)

تمرین

ضَرَبَ - وَضَعَهَا - ضَامِرٍ - ضَالِينَ - ضُرِبَتْ - عَرَضُهَا - مَعْضُوبٍ - يَنْفَعُونا - فِي الأَرْضِ - نَضِجَتْ - أَرْضِي - مَرِيضٌ

ج) حرف «ط»

حرف «طاء» مانند «ت» تلفظ می‌شود، اما پر حجم و درشت؛ (تاء مَفخَّم).

مثال: (فَاتِنِينَ - فَانِطِينَ) - (تَابَ - طَابَ)

تمرین

فَطْرَ - طَفِقَا - طَارِقٌ - قِنطَارٌ - طُمِسَتْ - مُحِيطٌ - يَطُوفُ - طُوبَى - طِبَاقًا - صِرَاطِي - أَسَاطِيرُ - أَطْعَى -
أَطْرَافٌ - مُحِيطٌ

د) حرف «ظ»

حرف «ظاء» درست مانند «ذ» نوک زبانی تلفظ می‌شود؛ با این تفاوت که صدای آن درشت و پر حجم است (ذال مفخم). باید توجه کرد که در تلفظ «ظاء» به فشار زیاد نوک زبان بر دندان‌های بالا و نیز دمیدن هوا به صورت فشرده نیازی نیست.

مثال: (مَحْدُورًا - محظوراً) - (مُنْذِرِينَ - مُنْظَرِينَ) - (ظَلَّلْنَا - ذَلَّلْنَا)

تمرین

ظَهَرَ - ظَلَمُوا - ظَاهِرِينَ - ظَالِمِينَ - ظَلِمُوا - الظُّنُونَا - حَافِظُوا - تُوَعِّظُونَ - ظَهْرِيًّا - عَظِيمٌ - حَافِظِينَ -
عَلِيظٌ

ه) حرف «ع»

حرف «عین» از موضع میانی حلق به صورت نرم و کش‌دار تلفظ می‌شود. البته باید دقت کنید که اولاً صدای عین، بیش از حد، نرم و از دیگر سو سخت و با فشار تلفظ نشود و ثانیاً با درشتی و پر حجمی همراه نباشد (تفخیم نمی‌شود).

مثال: (أَمَلًا - عَمَلًا) - (يَأْمَلُونَ - يَعْمَلُونَ) - (أَجَلٌ - عَجَلٌ) - (أَلِيمٌ - عَلِيمٌ)

تمرین

عَظِيمٌ - مُعَلِّمٌ - عَالَمِينَ - عَالِيَهُمْ - عَتَلٌ - عَقْبِيٌّ - مَاعُونٌ - لَا تَرْفَعُوا - عِبَادًا - الْعِشَاءَ - نَعِيمٌ - فَأَعِينُونِي -
السَّمِيعُ

و) حرف «غ»

حرف «غین» از موضع حلق و محل تلفظ «خ» اما به صورت نرم و کش‌دار ادا می‌شود. شایان توجه است که «غ» پر حجم و درشت تلفظ می‌شود (مفخم).

مثال: (أَقْنَى - أَغْنَى) - (لَقَدُ - لَغَدُ) - (لَقَوَى - لَعَوَى) - (تَقْلِبُونَ - تُغْلِبُونَ) - (بَاغٌ - بَاقِي)

تمرین

غَفَرَ - لَغَدٌ - غَارِمِينَ - فِي الْغَارِ - غُرُوبٍ - غُفْرَانِكَ - يَغُوصُونَ - لُغُوبٍ - غِلٌّ - تَبْتَعِي - مُغِيرَاتٍ - تَغْرُبُ -
يَغْفِرُ - زَيْغٌ

ز) حرف «و»

حرف «واو» برخلاف نوع فارسی آن که با کمک دندان تلفظ می‌شود، فقط با جمع (غنچه) شدن دو لب و با صدای نازک و کم حجم ادا می‌گردد. در واقع، واو حرف بسیار نرمی است که نباید با فشار تلفظ گردد.

نکاتی در تلفظ حروف مشترک زبان فارسی و عربی

حرف «ت»

حرف «ت» نباید همراه با سوت (شبيهه س) و به اصطلاح تیز ادا شود. مثال: کتاب، تبارکه بینات.

حرف «ج»

این حرف باید نرم و از وسط زبان ادا گردد. تلفظ به اصطلاح دندانی (جیم فارسی) برای تلاوت قرآن صحیح نیست. مثال: رجیم، جاء، مریج.

حرف «خ»

تفاوت خاصی میان مخرج «خ» در فارسی و عربی وجود ندارد. اما «خ» عربی درشت و پر حجم است. مثال: خارجین، یخلق، صریخ.

حرف «ر»

بهتر است این حرف را جوفی (بدون مخرج) ادا نکنیم. همچنین باید از ادای «ر» به صورت تکریری یا لرزشی جلوگیری شود. مثال: الرحمن، ارباب، ابکار.

حرف «ش»

این حرف نباید تیز و دندانی تلفظ شود. بلکه باید از وسط دندان و به صورت نرم ادا گردد. مثال: شیطان، قریش، شیء.

حرف «ق»

این حرف نباید نزدیک به «خ» تلفظ شود و باید درشت و پر حجم ادا گردد. مثال: قبل، حق، یقاتلون.

حرف «ک»

لازم است حرف «ک» نرم تلفظ شده و نباید تیز و متمایل به «ش» ادا شود. مثال: کفروا، یکفرون، ربک.

حرف «ی»

«ی» از حروف نرم است و بهتر است این حرف با شدت تلفظ نشود (به ویژه هنگام مشدد بودن) مانند: ایاکه یا ایها النبی.

تمرین

وَجَدُوا - أَوْوَا - وَارِدُهَا - نَوَاصِي - وَجُوهٌ - وُلْدًا - وُورِي - دَاوُدَ - وَزَرَ - وُلْدَانٌ - غَاوِينَ - يَسْتَوِي - مَوْرُودٌ - قَوْمٌ - لَوَّوْا

تمرین عملی

۱. کلمات زیر را با رعایت مخارج حروف بخوانید:

یسیرُ - یصیرُ - سعیدُ - صعیداً - مصانعَ - منظرینَ - همُّ الظالمونَ - فانتینَ - فانطینَ - و لا تُشططُ -
 عسی - عصى - اصلاحها - قصص - یفصلُ - نزیدُ - نضیدُ - فضلنا - نصره - ضحکه - امین - عمین - عالیهم
 - لَقد - لغد - فالمغیراتُ - لَوَّأ - والدتی

۲. سوره حمد و اخلاص را با رعایت مخارج حروف تمرین کرده و یک بار بخوانید. (از این پس سعی
 نمایید که نمازهایتان را نیز با رعایت مخارج حروف بخوانید.)

جلسه هشتم

صفات حروف (۱)

اهداف درس	۴۰
مقدمه	۴۰
تعریف صفت	۴۰
فایده شناخت صفات	۴۱
تقسیم‌بندی صفات	۴۱
تعریف صفات اصلی	۴۱
تعریف صفات فرعی	۴۱
صفات اصلی	۴۲
جهر و همس	۴۲
شدت و رخوت	۴۲
توسط	۴۲
اصمات و ادلاق	۴۳
استعلاء و استفال	۴۳
تمرین عملی	۴۴
صفات فرعی	۴۵

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ مفاهیم مخارج حروف و صفات حروف؛
- ✓ صفات اصلی و فرعی و تعریف آن‌ها؛
- ✓ دو صفت اصلی استعلاء و استفال.

مقدمه

هر حرف در دستگاه تکلم، از ترکیب دو فرایند به وجود می‌آید و به گوش می‌رسد:

۱. مخرج (جایگاه تولید)؛

۲. صفات (چگونگی و کیفیت تولید).

در توضیحی فشرده می‌توان گفت: منظور از مخرج حرف، جایگاهی است که (عموماً) دو عنصر از دستگاه تکلم، با کمک یکدیگر، حرف را تولید می‌کنند؛ مانند دو لب که از تلاقی آن‌ها حرف «ب» ایجاد می‌شود؛ یا سر زبان و لثه دندان‌های پیشین بالا که از تلاقی آن‌ها حرف «د» به وجود می‌آید.

حال اگر دقت کنیم، ملاحظه می‌شود که دقیقاً از جایگاه تولید (مخرج) حرف «ب»، می‌توان حرف «پ» را نیز تولید کرد و همچنین از مخرج «د» حرف «ت» نیز به وجود می‌آید. حال اگر این پرسش به ذهن بیاید که چگونه این امر صورت می‌گیرد، در پاسخ باید بگوییم که چگونگی تولید حرف «ب» با تولید حرف «پ» و نیز کیفیت تولید حرف «د» با حرف «ت» متفاوت است.

حرف «ب» با فشار کم‌تر هوا و ارتعاش تارهای صوتی همراه است؛ در حالی که در «پ» ارتعاش تارهای صوتی حذف می‌گردد و فشار خروجی هوا زیاد است (با نگره داشتن یک ورق کاغذ نازک جلوی لب‌ها و تلفظ این دو حرف هم مخرج، می‌توانید تفاوت آن‌ها را دریابید).

همین فرق بین حروف «د» و «ت» نیز وجود دارد؛ بنا بر این هر حرف، تنها با جایگاه تولید خود، از دیگر حروف، متمایز و شناخته نمی‌شود؛ بلکه شیوه و کیفیت تولید هم در ایجاد آن دخالت دارد. در تجوید از شیوه و کیفیت تولید حرف به صفت تعبیر می‌شود.

تعریف صفت

کلمه صفت یعنی حالت شیء؛ و در تجوید، صفات عبارتند از: حالات مختلفی که یک حرف در هنگام تولید، پیدا می‌کند.

مانند: سختی (شده)، نرمی (لین)،^{۱۹} سستی (رخوه)، همراه با فشار هوا، بدون فشار هوا و

شناخت صفات حروف برای قاریان از ضروریات تلاوت است.

۱۹. لین یکی از صفات فرعی حروف است که عبارت است از: به نرمی اداء شدن حرف؛ و آن صفت دو حرف «و» و «ی» ساکن ماقبل مفتوح است؛ همان، ص ۹۶.

فایده شناخت صفات

۱. شناخت عامل «تمایز» حروف هم مخرج از یکدیگر: در صورت رعایت نکردن این صفات، هر حرف در قرائت به حرف دیگر تبدیل می‌شود.
۲. شناخت ویژگی‌های تولید هر حرف: در نتیجه این شناخت و رعایت آن، حروف نیکوتر و کامل‌تر اداء می‌شوند.
۳. شناخت حروف قوی از حروف ضعیف: این شناخت به تحلیل علت ادغام برخی از حروف کمک می‌کند.

تقسیم‌بندی صفات

اغلب منابع تجوید، تعداد صفات را هفده عدد ذکر کرده‌اند. صفات هفده‌گانه به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. صفات اصلی؛
 ۲. صفات فرعی؛
- در کتب تجوید، این گونه به معرفی صفات اصلی و فرعی پرداخته‌اند:
۱. صفات اصلی: صفاتی هستند که دارای صفت ضد خود نیز هستند؛
 ۲. صفات فرعی: صفاتی هستند که فاقد صفت ضد خود می‌باشند.
- ما سعی خواهیم کرد که تعریف بهتری از این دو نوع صفت ارائه دهیم.

تعریف صفات اصلی

همان گونه که از نام صفات اصلی بر می‌آید، اصل صفات حروف هستند و حروف با این ویژگی‌ها تولید می‌شوند. صفات اصلی هر حرف، به اتفاق مخرج آن، شخصیت ویژه حرف را تشکیل می‌دهند.

تعریف صفات فرعی

فرع، حاصل اصل و شاخه حاصل ریشه است. صفات فرعی، ویژگی و مشخصه نهایی‌ای هستند که از مجموعه مخرج حرف به اضافه صفات اصلی آن حاصل می‌شوند؛ به عبارت دیگر، صفت فرعی حرف، برآیندی از مشخصه‌های مختلف حرف، یعنی مخرج و صفات اصلی آن است و به عبارت دیگر، تابلوی کلی حرف می‌باشد. برای تفهیم بیشتر می‌توان گفت که صفت فرعی آن خاطره و اثری است که از ماهیت حرف در ذهن به جای می‌ماند؛ مانند صدای سوت از «س» یا پخش صدا در «ش»، تکرارپذیری «ر» و نرمی صدای «و - ی» و

صفات اصلی

تعداد صفات اصلی ده عدد است که از پنج زوج متضاد تشکیل شده است. هر حرف لزوماً دارای پنج صفت اصلی است؛ نه بیش تر و نه کم تر.

اسامی صفات اصلی

۲. همس	ضد آن ←	۱. جهر
۴. رخوه	ضد آن ←	۳. شده
۶. استفال	ضد آن ←	۵. استعلاء
۸. انفتاح	ضد آن ←	۷. اطباق
۱۰. ادلاق	ضد آن ←	۹. اصمات

اینک به شرح مبسوط صفات مذکور می پردازیم.

جهر و همس

جهر در لغت به معنای آشکار بودن و آواز بلند و در تجوید عبارت است از: صوت حاصل از ارتعاش تارهای صوتی. حروفی که صفت جهر دارند، عبارت‌اند از:

ء - ب - ج - د - ذ - ر - ز - ض - ط - ظ - ع - غ - ق - ل - م - ن - و - ی .

همس در لغت به معنی صدای آهسته و مخفی بودن آمده است و در اصطلاح تجویدی عبارت است از بی‌بهره بودن حرف از صوت جهری به سبب ارتعاش نداشتن تارهای صوتی. حرفی که دارای صفت همس هستند ده حرفند که در عبارت «فَحَثَّهُ شَخْصٌ سَكْتٌ» جمع آمده‌اند. همان‌گونه که در بالا ذکر شد بقیه حروف دارای صفت جهر هستند. برای تشخیص حروف مجهور و مهموس می‌توان نوک انگشت را بر روی برآمدگی جلوی گردن که به سبب آدم معروف است گذاشته و حرف را تلفظ کرد. در صورت احساس ارتعاش تارهای صوتی در زیر انگشت حرف مجهور و در غیر این صورت مهموس است.

شدت و رخوت

شدت در لغت به معنای قوت و در اصطلاح تجوید به معنای انسداد کامل صوت در مخرج حرف است. در این حروف، اگر گیرش مخرج حرف برطرف نشود حرف تلفظ نخواهد شد. مثال: ربُّ، برزوا، ارباب.

این حروف عبارت‌اند از: ء، ج، د، ت، ط، ب، ق، که در عبارت (أجدت طبقک) گرد آمده‌اند.

رخوت در لغت به معنا سستی و در اصطلاح تجوید عبارت است از جریان کامل صوت در مخرج حرف.

در حروف رخوت با وجود گیرش، صدای حرف می‌تواند امتداد یابد.

توسط

دانشمندان علم تجوید از حالتی بین شدت و رخوت در تعدادی از حروف سخن گفته‌اند که از ریزنگری و دقت علمای مسلمان در قرون اولیه اسلام حکایت دارد. پنج حرف (ل، ن، ع، م، ر) که در عبارت «لن عمر»

گرد آمده‌اند، صفت توسط دارند. از ویژگی‌های جالب حروف توسط در تلاوت قرآن می‌توان به خاصیت تحریرپذیری آن‌ها اشاره کرد.

اصمات و ادلاق

اصمات در لغت به معنای خاموش و ساکت کردن و در اصطلاح تجوید عبارت است از سنگین و سخت تلفظ شدن حرف و امتناع آن از سهولت در تلفظ. غیر از حروف ادلاق باقی حروف از حروف اصمات هستند.

ادلاق در لغت به معنای تیز کردن و بی‌آرام کردن و در اصطلاح تجوید، سرعت و سهولت تلفظ حروف است. حروف ادلاق شش حرفند که در عبارت «فَرَّ مِنْ لَبِّ» گرد آمده‌اند. واقعیت این است که این دو صفت هیچ‌گونه کاربرد عملی در تجوید ندارند و حتی برخی از علمای تجوید نامی از این دو صفت در آثارشان نیاورده‌اند.

استعلاء و استفال

مقدمه: اگر به خاطر داشته باشید، در مقدمه این سلسله دروس گفته شد که کلید سوم لهجه عرب، عبارت است از: تفخیم و ترقیق (پر حجمی و کم حجمی صدای حروف و حرکات). باب تفخیم و ترقیق در درس‌های بعدی به طور مشروح، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

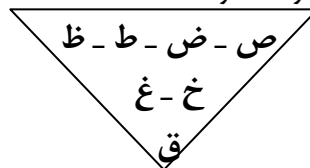
صفات استعلاء و استفال در واقع بخشی از کلید سوم لهجه عرب محسوب می‌شوند و به لحاظ کاربردی، از مهم‌ترین صفات تجویدی هستند؛ لذا به شرح بیش‌تری نیاز دارند.

صفت استعلاء

کلمه استعلاء بر وزن استفعال، از ریشه عَلا به معنای برتری طلبی است. استعلاء در تجوید، عبارت است از: میل ریشه زبان به سوی کام بالا در هنگام تلفظ حرف. در اثر این صفت، حرف، صدایی پر حجم و درشت به خود می‌گیرد. این حالت را تفخیم گویند. پس استعلاء، در حروف موجب تفخیم آن‌ها می‌شود.

حروف استعلاء

حروف استعلاء هفت حرف‌اند که عبارت‌اند از:



چهار حرف اول («ص»، «ض»، «ط» و «ظ») از سه حرف دیگر درشت‌تر و پر حجم‌ترند.

رهنمود عملی

۱. برای اداء صحیح این حروف، باید صدای خود را در فضای دهان و به‌ویژه در حلق، پر حجم و درشت کنید (صوت مفخّم). اگر موفق شوید این صوت را به شکل صحیح تولید کنید، نوع مفخّم آن ایجاد می‌شود.

۲. باید دانست که درشتی و پر حجمی (تفخیم) حروف استعلاء در حالت الف مدی و مفتوح، بیش تر از دیگر حالات؛ و در حالت یاء مدی و مکسور، از مواقع دیگر کم تر است و در ضمه و سکون، در حد متوسط است.

مثال: قَاتِلَ - قَتَلَ - قَاتِلُوا - يَقْتُلُونَ - قَاتَلَ - مَقِيلاً

تمرین

ص: قَصَصَ - صَادِقِينَ - صِرَاطَ - نَوَاصِي - صُرِفَتْ - نَصُوْحاً
ض: ضَرَبَ - ضَاقَ - خَاضِعِينَ - ضِيْزِي - ضُعْفَاءُ - غَيْرِ الْمَعْضُوبِ - فَلَا تَضْرِبُوا
ط: طَبَقاً - لِلطَّاغِيْنَ - طِفْلاً - لَطِيْفٌ - طُغْيَاناً - وَالطَّوْرُ - اطْرَافَ
ظ: انْقَضَ ظَهْرُكَ - ظَاهِرِينَ - ظِلَالُهَا - عَظِيمٌ - ظُهُورُهَا - تُوعِظُونَ - يَظْلَمُونَ
خ: خَرَجُوا - بخَارِجِينَ - خَبِراً - يَخْوِضُوا - خِلَافَكَ - يَخْرُجُ
غ: غَرَبَتْ - غَافِرِينَ - غِطَاءَكَ - يَغِيْظُ - غُرُوبٍ - يَغْوِصُونَ - يَغْفِرُ
ق: قَالَ - قَبْلَ - قِتَالاً - قِيلَ لَهُمْ - الْحَقُّ - يَقُولُونَ - يَقْبَلُ

صفت استفعال

کلمه استفعال بر وزن افتعال از ریشه سَفَلَ و به معنای پست شدن و پایین آمدن است. در تجوید، استفعال عبارت است از: پایین آمدن ریشه زبان و دور شدن آن از کام بالا. در اثر این صفت، حرف، حالت نازکی و کم حجمی به خود می گیرد (ترقیق).

حروف استفعال

بقیه حروف (غیر از حروف استعلاء) دارای صفت استفعال هستند.

نکته مهم

درشتی و تفخیم حروف استعلاء نباید روی ترقیق حروف مجاور، اثر گذارد.

تمرین

بَصَرَ - فَلَا تَضْرِبُوا - طَبَقاً - لَطِيْفٌ - تُوعِظُونَ - وَالطَّارِقُ - حَقّاً - يَخْرُجُ

تمرین عملی

کلمات زیر را با رعایت صفت استعلاء و استفعال بخوانید:

قَصَصَ - صَالِحِينَ - صُحُفَ - فَقَضَيْتَهُنَّ - ضِعْفَاءُ - أَرْضِي - يَطُوفُ - طَعْمُهُ - قِنْطَارٍ - مُحِيطٌ - غَلِيظاً - عَظِيمٌ - تُوعِظُونَ - خَبَالاً - خَيْفَةً - قُرْبَاناً - يَخْرُجُ

صفات فرعی

صفیر

در لغت به معنای صوت شبیه به صدای پرنده و در اصطلاح تجوید صدای سوت ماندی را گویند که از سه حرف (ص، س، ز) شنیده می‌شود. در واقع صفیر نیز مانند دیگر صفات فرعی حاصل مکانیزم تولید حروف مربوط در جایگاه تولیدشان (مخرج) و نیز صفات اصلی آنها است. ذکر این صفت خبر از ویژگی حرف می‌دهد نه امر به تولید سوت. به ویژه در حرف (ص) تولید سوت افراطی در این حرف اشتباه است و باید به طور طبیعی حرف (س) را با صدای پرحجمی در گلو همراه کرد. آن‌گاه صفیر طبیعی (ص) بدون افراط و تفریط خود به خود اجرا می‌شود.

انحراف

در لغت به معنای میل و عدول و در تجوید میل و انحراف حرف از مخرجش به سوی مخارج دیگر را گویند. حروف انحراف عبارت‌اند از: (ل - ر)؛ این صفت نیز در تجوید عملی کاربردی ندارد.

تکریر

در لغت به معنای تکرار کردن و در اصطلاح تجوید به قابلیت تکرار بسیار سریع حرف گویند. تکریر صفت اختصاصی حرف (ر) است. نکته: تکریر تنها صفتی است که ذکر آن در تجوید از باب لزوم اجتناب از آن است.

تفشی

به معنای فاش شدن، انتشار و در اصطلاح تجوید عبارت است از پخش و انتشار هوا در فضای دهان هنگام تلفظ حرف. تفشی صفت ویژه حرف (ش) است. بر خلاف تراکم مولکول‌های هوا در حروف صفیر (ص - س - ز). حرف شین از متلاشی شدن و پخش این مولکول‌ها تولید می‌شود. بنا بر این شین صحیح و همراه با تفشی از شبیه شدن به سین و تیز شدن اجتناب می‌کند.

استطاله

یعنی امتداد و طولانی شدن و در تجوید به معنای کش آمدن صوت حرف «ض» آمده است. اساتید استطالۀ «ض» را به ویژه در حالت سکون به صدای قمری تشبیه کرده‌اند. این صفت عامل تمایز بین دو حرف بسیار شبیه به هم یعنی «ض» و «ظ» است. در واقع می‌توان چنین گفت که صدای پر حجم و نرم و کشار «ض» را به عسل و صدای پر حجم اما کمی زبر و نوک‌زبانی «ظ» را به مربای شکرک زده تشبیه می‌کنیم. که به عنوان نمونه می‌توان به عبارات «يَعِصُ الظَّالِمُ» و «أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» اشاره کرد.

جلسهٔ نهم

صفات حروف (۲)

اهداف درس	۴۸
اطباق	۴۸
انفتاح	۴۸
صفات فرعی	۴۸
الف) صفت قَلَقَلَه	۴۹
چند نکته	۴۹
ب) صفت لَیْن	۴۹
حروف لَیْن	۴۹
نکتهٔ مهم	۵۰
ج) صفت عُنَّه	۵۰
نکته	۵۰
د) صفت نَبْرَه	۵۰
استثنا	۵۰
تمرین عملی	۵۰

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ صفت اطباق، تعریف و حروف آن؛
- ✓ صفت انفتاح، تعریف و ذکر حروف آن؛
- ✓ تعریف صفات فرعی و بیان تعداد و اسامی آنها؛
- ✓ صفت قلقله، تعریف آن و ذکر حروف آن؛
- ✓ صفت لین، تعریف آن و ذکر حروف آن؛
- ✓ صفت غنّه، تعریف آن و ذکر حروف آن؛
- ✓ صفت نبره و تعریف آن و ذکر حروف و بیان مورد استثنای آن.

اطباق

در لغت به معنای روی هم قرار دادن دو سطح، منطبق کردن؛ و در تجوید، عبارت است از: منطبق کردن سطح زبان با شکل سقف دهان؛ البته اطباق لزوماً به معنای چسبیدن زبان به کام بالا نیست، بلکه زبان به شکل سقف دهان در می‌آید (دقت کنید).

حروف اطباق که چهار حرف اول حروف استعلاء هستند، عبارت‌اند از: «ص»، «ض»، «ط» و «ظ». این صفت با کمک استعلاء، تفخیم بیش‌تر و قوی‌تری به حروف چهارگانه فوق می‌بخشد.

انفتاح

ضد اطباق و به معنای باز شدن و جدا شدن و در تجوید عبارت است از: عدم انطباق سطح زبان با سقف دهان. حروف انفتاح، بقیه حروف، غیر از حروف مُطَبِّقه هستند.

در این حروف، زبان از تبعیت شکل سقف دهان خارج شده و به هر شکل دیگری که اقتضا کند، در می‌آید.

صفات فرعی

تعریف صفات فرعی را در درس قبل فرا گرفتید. گفتیم که صفت فرعی از مجموعه مخرج حرف و صفات اصلی آن حاصل می‌شود. مثلاً صفت صغیر در «س» صدای سوت ماندنی است که بر آیند و حاصل نوع مخرج، به اضافه صفات اصلی پنج‌گانه آن از جمله استفال و انفتاح است؛ اما در «ص» که هم‌مخرج «س» بوده، لیکن از صفات قوی استعلاء و اطباق برخوردار است، صغیر آن نیز از «س» قوی‌تر است.

طبق قول مشهور، تعداد صفات فرعی، هفت عدد و اسامی آنها از این قرار است:

۱. صغیر؛

۲. قَلَقَلَه؛

۳. لین؛

۴. انحراف؛

۵. تکریر؛

۶. تَفْشَى؛

۷. استطالَه.

الف) صفت قُلْقَلَه

کلمه قُلْقَلَه به معنای جنبش، اضطراب، بی‌قراری و تکان خوردن و در تجوید، عبارت است از: حرکت مختصر حرف ساکن. حروف قُلْقَلَه عبارتند از: «ق»، «ط»، «ب»، «ج» و «د» که در عبارت «قُطْبُ جَدِّ» جمع آمده‌اند.

این پنج حرف، هر گاه ساکن شوند، چه در میان کلمه و چه در آخر کلمه، هنگام وقف باید حالت قُلْقَلَه به خود بگیرند؛ یعنی باید مختصری حرکت کنند؛ زیرا در غیر این صورت، صدای حرف حبس می‌شود.

چند نکته

۱. از افراط در قُلْقَلَه اجتناب شود، چراکه به حرکت کامل مبدل می‌گردد.
۲. قُلْقَلَه آخر کلمه (هنگام وقف)، باید آشکارتر از قُلْقَلَه وسط باشد.
۳. باید دقت کرد که ۲۳ حرف باقی‌مانده (غیر قُلْقَلَه) هنگام سکون، به هیچ وجه حرکت پیدا نکنند. (بسیار مهم)

مثال و تمرین:

ق: أَقْبَلَ - طَارِقُ - فِی رَقِّ	ج: أُجْرَمُوا - مَرِيحٌ - حَاجٌ
ط: أَطْرَافٌ - يَفْرُطُ - صِرَاطٌ	د: أَدْبَرَ - حَمِيدٌ - حَادٌ
ب: إِبْرَاهِيمَ - أُبْرَمُوا - وَتَبَّ	

ب) صفت لَين

کلمه لَين به معنای نرمی (ضد خشونت) و در تجوید، عبارت است از: به نرمی اداء شدن حرف.

حروف لَين

دو حرف واو ساکنه ماقبل مفتوح و یاء ساکنه ماقبل مفتوح، حروف لَين هستند؛ مثل: يَوْمَ - أَلَيْكَ.

البته باید متذکر شویم که اصولاً دو حرف «و» و «ی» ذاتاً و در همه حال، نرم‌ترین حروف الفبا محسوب می‌شوند (که این حالت باید عملاً در تلفظ این دو حرف لحاظ شود)؛ اما در حالت سکون ماقبل مفتوح، این ویژگی بیش از همه حال، بروز پیدا می‌کند.

نکته مهم

برخی از قراء مبتدی ممکن است به اشتباه، حرکت فتحه ماقبل واو لین را به حالت ضمه و فتحه ماقبل یاء لین را به حالت کسره اداء کنند که در این زمینه، باید به اندازه کافی دقت کرد.

مثال و تمرین

خَوْفٍ - قَوْمٌ - يَوْمًا - لَبَّغُوا - بَيْتٍ - إِلَيْكَ - شَيْءٌ - ابْنِي - أَثْنِي

ج) صفت غنة

غنة از صفات مهمی است که علی رغم واقع نشدن در لیست مشهور صفات فرعی، شایستگی دقت و رعایت در تلاوت را دارد. غنة صوتی آهنگین است که از فضای بینی (خیشوم) خارج می شود و از صفات لازمه دو حرف «م» و «ن» محسوب می گردد.

این صفت در نون و میم ساکن، بروز بیش تری دارد. علمای تجوید، غنة نون را از لحاظ کیفیت و خلوص، برتر از غنة میم می دانند.

نکته

هنگام وقف بر کلماتی که به نون و میم ختم می گردند، باید دقت کنید که صفت غنة آنها آسیب نبیند و به خوبی اداء شود. مانند: مُفْلِحُونَ - عَلِيمٌ

د) صفت نبره

نبره به معنای اشراف، تسلط و فرازمندی و در تجوید، عبارت است از: صدایی قوی و تیز که از حرف همزه شنیده می شود؛ لذا به محل وعظ و خطابه که نسبت به سایر قسمت های مجلس، بالاتر و مسلط تر است، منبر گویند. به این حالت همزه، تحقیق همزه گویند.

شایان ذکر است که نبره صفتی مهم و کاربردی است و تلفظ آن دقت زیادی می طلبد.

استثنا

تنها مورد همزه در قرآن که از نبره (تحقیق همزه)، استثنا شده است و رعایت عدم تحقیق (تسهیل) آن لازم است، عبارت است از: تسهیل همزه دوم کلمه (ءَأَعْجَمِي) در آیه ۴۴ سوره فصلت که باید این همزه را به اصطلاح، شُل و بدون تیزی مخصوص آن ادا کنیم.

تمرین عملی

۱. کلمات زیر را با رعایت حروف قلقله و لین بخوانید:

شَيْءٌ - التَّلَاقُ - بِالْحَقِّ - يَقْتُلُونَ - عَصَاً - مُحِيطٌ - نَطْعِمُ - اِثْنِي - يَيْسُطُ - يُنِيبُ - فَصَبَّ - اُجْدَاثُ - بِالْحَجِّ - يَدْرُسُونَ - نَمِدَّ - لَبَّغُوا

۲. سوره بلد را بخوانید و موارد قلقله را رعایت کنید.

۳. این بار سوره انشراح را بخوانید و سکون کامل حروف غیر قلقله را رعایت کنید.

جلسه دهم

احكام حروف تفخيم و ترفيق (۱)

اهداف درس.....	۵۲
تعريف احكام.....	۵۲
تفخيم و ترفيق.....	۵۲
الف) تفخيم.....	۵۲
ب) ترفيق.....	۵۳
مراتب تفخيم حروف استعلاء.....	۵۳
تغليظ و ترفيق «ل».....	۵۳
تمرين عملي.....	۵۳

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ احکام حروف به طور اجمالی؛
- ✓ اصطلاحات تفخیم و ترقیق؛
- ✓ تغلیظ و ترقیق حرف «ل».

تعریف احکام

همان گونه که در مقدمه صفات حروف گذشت، حرف با دو ویژگی مخرج و صفات تولید می‌شود و از آن جا که حروف در کلمات کاربرد دارند، در ترکیب با یکدیگر و تشکیل کلمه، شرایط متفاوتی پیدا می‌کنند. احکام حروف حالاتی است که هنگام ترکیب حرف در کلمات برای آن پیش می‌آید.

به عبارت دیگر، شرایطی که در کلمات برای حرف پیش می‌آید (مثلاً حرکات مختلف و سکون و تشدید و ...) و نیز هم‌جواری با حروف قبل و بعد، موجب بروز این حالات (احکام) در حرف می‌شود؛ به عنوان مثال، راء ساکنه در صورتی که حرف ماقبل آن مفتوح باشد، تفخیم می‌شود (درشت اداء می‌گردد)؛ حال آن که اگر ماقبل آن کسره واقع شود، ترقیق شده و نازک و کم حجم اداء می‌گردد؛ و یا نون ساکنه در مجاورت «ل» ادغام شده و از بین می‌رود؛ اما اگر پس از آن «د» قرار گیرد، دیگر ادغام نمی‌شود.

ما به امید خداوند، از این پس به مباحث عمده احکام حروف در تجوید، یعنی تفخیم و ترقیق، ادغام، احکام نون ساکنه، احکام میم ساکنه و مد و قصر خواهیم پرداخت و در نهایت، در آخرین جلسه با طرح چند نکته مهم و کاربردی قرائت کلام الله مجید، بحث تجوید قرآن را به پایان خواهیم برد.

تفخیم و ترقیق

این مبحث همان گونه که قبلاً گفتیم، سومین کلید لهجه عرب و از مهم‌ترین مباحث تجوید محسوب می‌شود؛ بنا بر این درس را خوب فرا گرفته و به کار گیرید.

الف) تفخیم

این کلمه در لغت به معنی بزرگداشت است و مُفَخِّم به معنای مُعْظَم و بزرگوار.

تفخیم در اصطلاح تجوید، درشت و پرحجم تلفظ کردن حرف یا حرکت است. در برخی کتب، تفخیم را با تسمین مترادف گرفته‌اند؛ البته تسمین به چاق کردن و فربه نمودن گفته می‌شود؛ اما تفخیم جنبه معنوی دارد و بزرگ نمودن مقام کسی یا چیزی است.

کلمه تغلیظ هم در تجوید، مترادف تفخیم و به معنای بر غلظت چیزی افزودن آمده است؛ اما فقط به پرحجمی حرف «ل» اطلاق می‌شود.

ب) ترقیق

کلمه ترقیق به معنای رقیق کردن و از غلظت چیزی کاستن است و در تجوید، عبارت است: نازک و کم حجم تلفظ کردن حرف یا حرکت. بنا بر این در تجوید، هر جا صحبت از پر حجمی صدا است، تفخیم واقع شده است و بالعکس؛ هر جا از کم حجمی و نازکی صدا بحث به میان آید، لفظ ترقیق به کار می‌رود (دقت کنید).

در باب تفخیم و ترقیق، به ترتیب به مباحث تفخیم حروف استعلاء، تغلیظ و ترقیق «ل»، تفخیم و ترقیق «ر» و تفخیم و ترقیق الف مدی خواهیم پرداخت.

مراتب تفخیم حروف استعلاء

همه حروف استعلاء در همه شرایط، بدون استثنا تفخیم می‌شوند؛ اما باید دانست میزان تفخیم این حروف در حالات مختلف کم و زیاد می‌شود (از بین نمی‌رود). مراتب تفخیم این حروف بدین شرح است: میزان تفخیم و درشتی صدا در حرف مفتوح (کشیده و کوتاه) بیش‌تر، در ضمه (کشیده و کوتاه) و سکون، متوسط و در کسره (کشیده و کوتاه) حداقل است؛ اما مجدداً تأکید می‌شود که از بین نمی‌رود.

مراتب تفخیم حروف استعلاء در مثال‌های زیر رعایت شده است؛ دقت کنید:

ص: صَالِحَاتٍ - صَدْرِي - صُرْفَتٍ - صُورَةٌ - تَصْبِرُ - يَصِلُ - نَوَاصِي
 ض: ضَامِرٍ - أَضْلَوْا - ضُرِبَتْ - مَغْضُوبٌ - يَضْرِبُ - نَضِجَتْ - أَرْضِي
 ط: أَطَاعُونَا - طَيِّبَاتٍ - طُمِسَتْ - طُوبَى - يَطْمَعُ - لَا تَطْعُ - أَطِيعُوا
 ظ: ظَالِمُونَ - ظَلَمَ - ظَلَمُوا - يَظْهَرُونَ - ظِلَالُهَا - عَظِيمٌ
 خ: خَافُوا - خَيْرٌ - خُسْرَانًا - يَخْوِضُونَ - إِخْرَاجٌ - خِلَالُهَا - أَخِي
 غ: غَافِلُونَ - غَيْرِي - الْغُرُوبُ - يَغْوِصُونَ - مَغْرِبٌ - غِلَاطٌ - صَغِيرَةٌ
 ق: قَالُوا - قَبْلَ - قُلْنَ - يَقُولُوا - يَقْبَلُ - الْقِسْطُ - فَقِيلَ

تغلیظ و ترقیق «ل»

«ل» در تمامی کلمات، کاملاً ترقیق می‌شود و تغلیظ (تفخیم) آن فقط در لام لفظ جلاله الله صورت می‌گیرد، آن هم به شرطی که حرکت قبل از آن فتحه یا ضمه باشد. اگر قبل از لام «الله»، کسره واقع شود، لام به ترقیق اداء می‌گردد.

مثال و تمرین

الله - فَالله - هُوَ اللهُ - إِنَّ اللهُ - فَرَضَ اللهُ - أَرْنَا اللهُ - رَسُولَ اللهُ - يَدُ اللهُ - وَاتَّقُوا اللهُ - نَصْرُ اللهُ - رَسُولُ
 اللهُ - لِلَّهِ - بِاللَّهِ - بِسْمِ اللهِ - فِي اللهِ - سَبِيلِ اللهِ - رَسُولِ اللهِ

تمرین عملی

آیات ۴ - ۱ و ۳۸ - ۳۵ سوره زمر را با رعایت قواعد تجویدی تلاوت کنید.

جلسه یازدهم

تفخیم و ترقیق (۲)

اهداف درس	۵۶
تفخیم و ترقیق «راء»	۵۶
مقدمه	۵۶
موارد تفخیم «راء»	۵۶
شرح بیش تر تفخیم «راء»	۵۷
موارد ترقیق «راء»	۵۷
شرح بیش تر ترقیق «راء»	۵۷
تفخیم و ترقیق الف مدی	۵۷
امالۀ الف مدی	۵۸
رهنمود عملی	۵۸
تمرین عملی	۵۸

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ موارد تفخیم و ترقیق حرف «راء»؛
- ✓ موارد تفخیم و ترقیق الف مدّی؛
- ✓ امالۀ الف مدّی.

تفخیم و ترقیق «راء»

مقدمه

برای فراگیری آسان‌تر این درس به نکات زیر توجه کنید:

۱. اگر حرف «راء» حرکت داشته باشد، از حرکت خودش می‌توان حکم آن را دریافت و نیازی به حروف قبل و بعد راء نیست.
۲. اگر راء ساکن باشد، باید به حرکت حرف قبل آن توجه کرد؛ اگر حرف قبل از آن نیز ساکن بود، حرکت قبل از ساکن را در نظر گرفته و از آن کمک می‌گیریم.
۳. اصولاً فتحه و ضمه کوتاه و کشیده موجب تفخیم، و کسره کوتاه و کشیده سبب ترقیق می‌شود؛ مگر این‌که عاملی بر آن‌ها چیره شود و حکم را تغییر دهد.

موارد تفخیم «راء»

۱. راء مفتوح و مضموم؛
مثال: رَحِيم - رَاحِم - غَفُوراً - رُحَمَاءُ - الرُّوح - غَفُورٌ
۲. راء ساکنِ ماقبلِ مفتوح و مضموم؛
مثال: يَرْضَى - قُرْآن - نَهْرٍ (نَهْر) - حُمْرٌ (حُمْر)
۳. راء ساکنِ ماقبلِ ساکنِ ماقبلِ مفتوح و مضموم (فقط در وقف پیش می‌آید)؛
مثال: وَالْفَجْرُ - الْيُسْرُ
۴. راء ساکنِ ماقبلِ الف و واو مدّی؛
مثال: نَارٌ - نَوْرٌ
۵. راء ساکنِ ماقبلِ همزة وصل (گرچه ماقبل راء مکسور باشد)؛
مثال: رَبَّ أَرْجَعُونَ - أَرْجَعُونَ
۶. راء ساکنِ مابعد، استعلاء (در یک کلمه و گرچه ماقبل راء مکسور باشد).
مثال: مِرْصَاداً - فِرْقَةً

شرح بیش تر تفخیم «راء»

- احکام سوم و چهارم فقط هنگام وقف پیش می‌آید.
- در حکم پنجم، از آن جا که همزه وصل جزء اصل کلمه نیست و کلمه در واقع با راء ساکن آغاز شده است، لذا «راء» به اصل خود (تفخیم) بازگشته است.
- تأکید می‌شود که حکم ششم، تنها موردی است که از حرف بعد تأثیر پذیرفته است.
- در ضمن شایان توجه است که اگر راء ساکن و حرف استعلاء در دو کلمه جدا از هم باشند، حکم ششم صادق نیست و «راء»، تابع حرکت ماقبل خویش است (فَاصِبٌ صَبْرًا).

موارد ترقیق «راء»

۱. راء مکسور؛
مثال: رِجَالٌ - رِيحٌ - أَمْرٌ
۲. راء ساکن ماقبل مکسور؛
مثال: فِرْعَوْنٌ - قُدْرٌ (قُدْرٌ)
۳. راء ساکن ماقبل ساکن ماقبل مکسور (در وقف پیش می‌آید)؛
مثال: السِّحْرُ - الذِّكْرُ
۴. راء ساکن ماقبل یاء مدی؛
مثال: قَدِيرٌ - يَسِيرٌ
۵. راء ساکن ماقبل یاء ساکنه (گرچه قبل آن مفتوح باشد).
مثال: خَيْرٌ - سَيْرٌ

شرح بیش تر ترقیق «راء»

- احکام سوم و چهارم فقط زمان وقف پیش می‌آیند.
- حکم پنجم حتی در حالی که ماقبل یاء ساکنه، مفتوح است، اعمال می‌شود؛ در واقع یاء ساکنه بر فتحه چیره شده است.

تفخیم و ترقیق الف مدی

- الف مدی تابع حرف پایه خویش است؛ اگر آن حرف مفخّم باشد «الف»، تفخیم و در غیر این صورت ترقیق می‌شود.

- مثال تفخیم: قَالَ - صَادِقِينَ - فَاللهُ - يَدُ اللهِ - رَازِقِينَ
- مثال ترقیق: شَاءَ - مَالِكُ

امالۀ الف مدّی

در تمامی قرآن فقط یک کلمه وجود دارد که الف مدّی در آن کلمه امالۀ می‌شود. اینک ببینیم امالۀ چیست و عملاً چگونه تلفظ می‌شود؟

امالۀ در لغت به معنای میل دادن، متمایل کردن و منحرف نمودن و در اصطلاح قرائت عبارت است از: میل دادن فتحه به سوی کسره و الف مدّی به سوی یاء مدّی.

امالۀ یکی از ویژگی‌های لهجۀ برخی اقوام عرب است، اما در قرآن به روایت مشهوری که اینک متداول است (روایت حفص از عاصم کوفی)، فقط در یک کلمه از قرآن باید انجام شود و آن الف پس از «ر» در کلمۀ مَجْرَى‌ها در آیه ۴۱ سورۀ هود است.

رهنمود عملی

«الف» پس از «راء» در این کلمه امالۀ می‌شود؛ بدین شکل که صدای «الف» مدّی را مانند کسره فارسی (البته به صورت کشیده) ادا می‌کنیم: مَجْرَى‌ها. در واقع «الف» به سوی یاء مدّی میل پیدا کرده است. همچنین لازم است به خاطر سپرده شود که حرف «راء» نیز در این حال ترقیق می‌گردد.

تمرین عملی

۱. کلمات زیر را با رعایت تفخیم و ترقیق در حرف «راء» بخوانید:

قُدْرَ - فِيهَا السَّيْرَ - مَرِيَّةَ - مَرِضًا - وَالْفَجْرَ - شَكُورَ - رِزْقًا - تَبَرَّجْنَ - تَبَرُّجَ - حُمْرَ - ذِكْرَ - سَرِيعَ -
بَشْرَنَّاكَ - بُرْزَتِ - وَالطَّيْرَ - لِيَا لِمَرِضَادِ - اِرْجِعُوا - لَفِي خُسْرَ - اِنْ رَتَبْتُمْ - اُولَى لَارِبَةٍ.

۲. یک بار سورۀ قمر را با رعایت موارد تفخیم و ترقیق «راء» تلاوت نمایید.

جلسه دوازدهم

ادغام

- اهداف درس ٦٠
- مقدمه ٦٠
- تعريف ادغام ٦٠
- فایده ادغام ٦٠
- انواع سه گانه ادغام و موارد آن ٦٠
- ١. ادغام متماتلین ٦٠
- ٢. ادغام متجانسین ٦١
- ج) ادغام متقاربین ٦١
- تمرین عملی ٦١

اهداف درس

آشنایی با:

✓ ادغام در تجوید؛

✓ انواع ادغام، شامل: ادغام متمثلین، ادغام متجانسین و ادغام متقاربین.

مقدمه

دستگاه تکلم انسان همیشه در پی سهل‌ترین موقعیت تلفظ است. یکی از موارد ایجاد سهولت در کلام، ادغام حروف در یکدیگر است. به طور معمول وقتی دو حرف از لحاظ مخرج یا صفات یکسان و یا خیلی به هم نزدیک باشند، هنگام تلفظ مزاحم یکدیگرند.

به عنوان مثال در عبارت «أَذْهَبُ بِكِتَابِي» پس از تلفظ اولین «ب» و دور شدن از یکدیگر، برای دو لب دشوار است که مجدداً همان حرف را برای کلمه بعدی ایجاد کنند (امتحان کنید)؛ لذا در این گونه موارد راه حل مشکل، حذف یکی از آنها است.

تعریف ادغام

ادغام در لغت به معنای داخل نمودن و در هم آمیختن و در اصطلاح تجوید عبارت است از: حذف حرف ساکن و مشدد نمودن حرف بعد.

مثال:

أَذْهَبُ بِكِتَابِي ← خوانده می‌شود إِذْهَبُ بِكِتَابِي
يُدْرِكُكُمْ يُدْرِكُكُمْ

حرف ساکن حذف شده را «مُدْعَم» و حرف بعدی را، که مشدد می‌شود، «مُدْعَمُ فِیْهِ» گویند.

فایده ادغام

فایده ادغام ایجاد سهولت در کلام است.

انواع سه‌گانه ادغام و موارد آن

به روایت حفص از عاصم، ادغام سه نوع است:

۱. متمثلین؛

۲. متجانسین؛

۳. متقاربین.

۱. ادغام متمثلین

ادغام دو حرف را گویند که عیناً مثل هم باشند؛ مانند ادغام «ب» در «ب» و یا «ک» در «ک» و ...

به طور کلی هر حرف که ساکن شود، در حرف بعدی، اگر مثل خودش باشد، ادغام می‌شود؛ مانند: قَدْ دَخَلُوا - قُلْ لَهُمْ - اَوْوُوا وَنَصَرُوا

۲. ادغام متجانسین

ادغام دو حرف را گویند که فقط مخرجشان یکی باشد (دو همجنس): «ب - م» - «ت - د - ط» و «ث - ذ - ظ».

در روایت حفص این نوع ادغام فقط در موارد زیر انجام می‌شود:

- «ب در م» (تنها مورد آن در سوره هود آیه ۴۲ است):

- «ت - د - ط» دو به دو در یکدیگر؛

- «ث - ذ - ظ» دو به دو در یکدیگر.

مثال: اَرْكَبْ مَعَنَا (اَرْكَمْنَا) - اَنْقَلْتُ دَعْوَا اللّٰهِ (اَنْقَلَدَعَا اللّٰهِ) - قَالَتْ طَائِفَةٌ (قَالَطَائِفَةٌ) - بَسَطْتَ (بَسَتْ) با حفظ پر حجمی طاء) - قَدْ تَبَيَّنَ (قَتَبَيْنَ) - يَلْهَثُ ذَلِكَ (يَلْهَثُ ذَلِكَ) - اِذْ ظَلَمُوا (اِظْلَمُوا)

ج) ادغام متقاربین

ادغام دو حرف را گویند که مخرجشان بسیار به هم نزدیک باشد و یا در صفات ویژه خود مشترک باشند (دو حرف نزدیک به هم).

حفص، راوی عاصم، فقط در موارد زیر ادغام متقاربین دارد:

- «ق» در «ک»

- «ل» در «ر»

مثال: اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ (اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ) - قُلْ رَبِّي (قُرْبِي)

تمرین عملی

۱. عبارات زیر را با رعایت قواعد ادغام بخوانید:

أَوْ زَنُّوا - لَقَدْ تَابَ - وَدَّتْ طَائِفَةٌ - قَدْ تَبَيَّنَ - بَلْ رَبُّكُمْ - يُوجِّهُهُ - أَحْطَتْ - اِذْ هَبْ بِكِتَابِي - اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ - قُلْ رَبِّ - مَنْ يَشَاءُ - مِنْ لَدُنْكَ - مِنْ مَالٍ - مِنْ رَبِّكُمْ.

۲. از میان عبارات زیر فقط عبارتهایی را که ادغام می‌شوند، بخوانید:

اِذْ زَيْنَ - يَلْهَثُ ذَلِكَ - وَاغْفِرْ لَنَا - اِذْ صَرَفْنَا - اِذْ ظَلَمُوا - فَاصْرِبْ بِهِ - جَاءَتْ سَيَّارَةٌ - اِنْ يَسْرِقْ - مِنْ وَلِيِّ - سَمِيعٌ عَلِيمٌ - يُكْرِهُنَّ - قَدْ جَاءَ - لَا تَزِعُ قُلُوبَنَا - بَلْ سَوَّلَتْ - اَفْرِغْ عَلَيْنَا - فَاصْفَحْ عَنْهُمْ - فِي يَوْسُفَ - قَالُوا وَ هُمْ

جلسه سیزدهم

احکام نون ساکنه و تنوین

- هدف درس ۶۴
- احکام نون ساکنه و تنوین ۶۴
- الف) اظهار ۶۴
- ب) ادغام ۶۴
- غنه ۶۵
- ج) انقلاب ۶۵
- د) اخفاء ۶۶
- تمرین عملی ۶۶

هدف درس

✓ آشنایی با احکام نون ساکنه و تنوین؛ شامل: اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء و موارد آن‌ها.

احکام نون ساکنه و تنوین

حرف نون ساکنه یا تنوین با توجه به حرفی که پس از آن قرار می‌گیرد، چهار حکم متفاوت پیدا می‌کند:

الف) اظهار؛

ب) ادغام؛

ج) اقلاب؛

د) اخفاء.

از این پس هر جا نون ساکنه آمد، تنوین را نیز شامل می‌شود.

الف) اظهار

اظهار در لغت به معنای ظاهر نمودن و در تجوید عبارت است از: اداء حرف از مخرجش بدون هیچ گونه دخل و تصرف.

هرگاه نون ساکنه به شش حرف حلقی برسد، اظهار می‌شود. حروف حلقی عبارت‌اند از: «ء - ه - ع - ح - غ - خ».

نکته: نون ساکنه در حال اظهار، نباید حرکت پیدا کند (قلقله) یا روی آن مکث طولانی صورت گیرد.

مثال و تمرین

حروف حلقی	در یک کلمه	بین دو کلمه	با تنوین
ء - ا	يِنَّاوَنَ	مِنْ اَمْرِهِم	كُلُّ اَمْنٍ
ه	مِنْهُمْ	اِنَّ هُوَ	فَرِيْقًا هَدٰى
ع	اَنْعَمْتَ	مَنْ عَمَلٍ	سَمِيعٌ عَلِيمٌ
ح	تَنْحِتُوْنَ	فَمَنْ حَجَّ	حَكِيْمٌ حَمِيْدٌ
غ	فَسَيَنْغُضُوْنَ	مِنْ غَلٍّ	قَوْلًا غَيْرٍ
خ	الْمُنْحَنِقَةُ	مِنْ خَيْرٍ	حَكِيْمٌ خَيْرٍ

ب) ادغام

نون ساکنه در شش حرف یرملون ادغام می‌شود (نون حذف و حرف یرملون مشدد می‌گردد). حروف یرملون عبارت‌اند از: ی - ر - م - ل - و - ن که در مجموع این کلمه را تشکیل داده‌اند.

باید توجه کرد که ادغام نون در چهار حرف یمون همراه با غنه (مع الغنه) و در دو حرف «ل - ر» بدون غنه است (بلا غنه).

غَنَه

غنه صوتی را گویند که از فضای بینی (خیشوم) خارج شود. اصولاً دو حرف نون و میم دارای صفت ذاتی غنه هستند که در برخی موارد این صفت را در احکام متعدد خود، به صورت ویژه بروز می‌دهند.

هنگام ادغام نون ساکنه در هر یک از حروف چهارگانه یمون، عمده صوت خود را از فضای بینی خارج کرده (غنه) و این حالت را به اندازه دو حرکت (کشش یک الف مدی) امتداد می‌دهیم؛ اما ادغام نون در دو حرف «ل - ر» بدون غنه و کشش اضافی و در حد یک تشدید معمولی صورت می‌گیرد.

مثال و تمرین

مِنْ يَهْدِي - آيَةٌ يَعْرِضُوا	ی	ادغام مع الغنه
مِنْ مَالٍ - قَرَارٍ مَكِينٍ	م	
مَنْ وَجَدَ - يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ	و	
عَنْ نَفْسٍ - شَيْءٍ نَكِرٍ	ن	ادغام بلا غنه
إِنْ لَيْتُمْ - مَتَاعاً لَكُمْ	ل	
مِنْ رَبِّكُمْ - مِنْ رِبَاطٍ	ر	

چند نکته

۱. در چهار کلمه دُنْيَا - بُنْيَانٌ - قِنْوَانٌ - صِنْوَانٍ ادغام صورت نمی‌گیرد و نون اظهار می‌شود. جالب این که در زبان فارسی نیز نون و حروف یرملون در داخل یک کلمه ادغام نمی‌شود؛ مانند: عنوان - دنیا و ...

۲. در دو مورد:

(یس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ)

(ن * وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ)

در صورت وصل حرف مقطعه به آیه، نون ادغام نمی‌شود و اظهار می‌گردد.

۳. در عبارت (مَنْ رَاقٍ) نیز نون ساکنه ادغام نمی‌شود، بلکه به صورت اظهار همراه با قطع کوتاه مدت صوت (سکت) اداء می‌گردد.

ج) اقلاب

اقلاب به معنای دگرگون کردن و تبدیل نمودن و در اصطلاح تجوید، تبدیل نون به میم را گویند.

این حکم وقتی نون به ب برسد، صورت می‌گیرد؛ مثل: مِنْ بَعْدِ ← مِمَّ بَعْدِ.

دو نکته

۱. دقت کنید میم ایجاد شده باید از فضای بینی (غنه) و همراه با دو حرکت کشش اداء شود.

۲. در اقلاب نون ساکن، باید بین دو لب کمی فاصله باشد (دو لب کاملاً منطبق نمی‌شوند).

تمرین

مُنْبِئاً - أَنْبِیَاءُ - مِنْ بَطُونٍ - أَمَدًا بَعِيدًا

د) اخفاء

این کلمه در لغت به معنای پنهان کردن و در تجوید عبارت است از: اداء حرف در حالتی بین اظهار و ادغام.

نون ساکنه نزد مابقی حروف اخفاء می‌شود. به این ترتیب که نون در حالتی بین اظهار و ادغام، بدون این که از مخرج خود اداء شود، همراه غنه و بدون تشدید حرف مابقی خوانده می‌شود؛ یعنی سر زبان به محل خروج نون نمی‌چسبد و فقط به صورت صوتی از بینی خارج می‌گردد و این حالت به اندازه دو حرکت امتداد می‌یابد و سپس حرف مابقی تلفظ می‌شود.

اخفاء نون نزد هر حرف باید هم شأن آن حرف باشد؛ بدین معنا که اگر حرف مابقی از حروف استعلاء باشد، اخفاء نیز مانند آن حرف، تفخیم می‌گردد و در غیر این صورت ترفیق می‌شود.

تمرین

حرف مابقی	در یک کلمه	در دو کلمه	با تنوین
ت	أَنْتُمْ	وَإِنْ تَبْتِمُ	يَوْمًا تَرْجَعُونَ
ث	مَثُورًا	مِنْ ثَمَرَةٍ	خَيْرٌ ثَوَابًا
ج	أَنْجَيْنَا	إِنْ جَاءَكُمْ	لِكُلِّ جَعَلْنَا
د	عِنْدَهُمْ	مِنْ دَارِهِمْ	قِنْوَانٍ دَانِيَةٍ
ذ	أَنْدَرَهُمْ	مِنْ ذُرِّيَّةٍ	يَتِيمًا دَامِقِرْبَةٍ
ز	أَنْزَلَ	مَنْ زَكِيَّهَا	نَفْسًا زَكِيَّةً
س	إِنْسَانٍ	أَنْ سَيِّكُونَ	لِيَالٍ سَوِيًّا
ش	أَنْشَأْنَا	مِنْ شَرٍّ	عَفُورٍ شَكُورٍ
ص	يَنْصُرُكُمْ	أَنْ صَدُوكُمْ	رِيحًا صَرَّصِرًا
ض	مَنْضُودٍ	مِنْ ضَعْفٍ	قَوْمًا ضَالِّينَ
ط	قَنْطَارٍ	مِنْ طِينٍ	صَعِيدًا طَيِّبًا
ظ	أَنْظُرُ	مَنْ ظَلَمَ	ظَلَلًا ظَلِيلًا
ف	أَنْفُسَهُمْ	مِنْ فَضْلِ	خَالِدًا فِيهَا
ق	يَنْقَلِبُ	مِنْ قَبْلِ	سَمِيعٍ قَرِيبٍ
ك	عَنْكُمْ	مَنْ كَانَ	قَوْلًا كَرِيمًا

تمرین عملی

۱. سوره طور را از آیه ۱۷ تا آخر آیه ۲۸ تلاوت نموده و موارد احکام نون ساکنه را رعایت کنید.

۲. عبارات زیر را با رعایت احکام نون ساکنه و تنوین بخوانید.

مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ - كَلِمَةً طَيِّبَةً - الْمُنْكَرِ - قِنْطَارًا - مَنْ رَاقٍ - يَوْمئِذٍ يَصْدَعُونَ - مَنْ عَمِلَ - كَلَّمَحٍ بِالْبَصْرِ -
يَنْبَغِي - صِنَوَانٌ - فَاَنْبِذْ - فَقَالُوا اَبَشْرًا مِّنَا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ اِنَّا لَفِي ضَلَالٍ وَّ سُعُرٍ - دُنْيَا - مِّنْ غِلٍّ - مِّنْ خَيْرٍ -
بُنْيَانٌ - دَكَاً دَكَاً - نَنْسَخُ

جلسه چهاردهم

احکام میم ساکنه

- ۷۰..... اهداف درس
- ۷۰..... احکام میم ساکنه
- ۷۰..... الف) ادغام
- ۷۰..... ب) اخفاء
- ۷۰..... ج) اظهار
- ۷۱..... غنّه
- ۷۱..... تعریف غنّه
- ۷۱..... میزان کشش غنه
- ۷۱..... موارد غنه
- ۷۲..... تمرین عملی

اهداف درس

آشنایی با:

✓ احکام میم ساکنه، ادغام، اخفاء و اظهار و ذکر موارد آنها؛

✓ جمع‌بندی موارد غنه.

احکام میم ساکنه

میم ساکنه با توجه به حرفی که پس از آن واقع می‌شود، سه حکم مختلف پیدا می‌کند:

الف) ادغام؛

ب) اخفاء؛

ج) اظهار.

الف) ادغام

فقط در «م» انجام می‌شود (ادغام متمثلین). این ادغام با غنه همراه است؛ یعنی صدا از فضای بینی خارج و به میزان دو حرکت (یک الف مدی) کشش می‌یابد.

مثال: مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ - قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ - رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ - إِنَّكُمْ مُلَاقُوهُ

ب) اخفاء

میم ساکنه نزد حرف «ب» اخفاء می‌شود؛ منظور از اخفاء آن است که لب‌ها به هم نزدیک شده، ولی منطبق نمی‌شوند؛ آن گاه بخش عمده صوت را از بینی خارج و به اندازه دو حرکت امتداد می‌دهیم و «ب» را تلفظ می‌کنیم.

نکته

باید دانست که اقلاب نون ساکنه نیز در نهایت همین سرنوشت را پیدا می‌کند؛ یعنی میم حاصله از اقلاب نون، به نوبه خود نزد حرف «ب» اخفاء می‌شود؛ لذا هر دو حکم در عمل یکسان اعمال می‌شود.

مثال: وَهُمْ بَارِزُونَ - أَنْتُمْ بِهِ - جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاَهُمْ - إِنَّهُمْ بَادُونَ - أَمَدًا بَعِيدًا (أَمَدًا بَعِيدًا) - خَبِيرٌ بِمَا (خَبِيرٌ

بِمَا)

ج) اظهار

میم ساکنه نزد بقیه حروف اظهار می‌شود؛ یعنی بدون هیچ تصرفی از مخرجش اداء می‌گردد.

چند نکته

۱. در اظهار میم ساکنه نیز باید دقت کرد که میم حرکت پیدا نکند (عدم قلقله) و نیز صدای آن بی‌جهت امتداد نیابد.

۲. در اظهار میم ساکنه نزد دو حرف «ف - و» باید دقت بیش‌تری صورت گیرد؛ در واقع مراقب باشیم شبیه نون، اخفاء یا ادغام نگردد. با توجه به هم مخرج بودن این سه حرف با یکدیگر، باید پس از تلفظ صحیح میم از مخرجش، بدون این‌که مکث زیاد و یا قطع صوت داشته باشیم و یا لب‌ها به شدت از یکدیگر دور شود، لب‌ها را با ظرافت به حرف بعدی منتقل کنیم.

مثال: لَكُمْ فِيهَا - يَمْدُهُمْ فِي - أَنْفُسَهُمْ و أَمْوَالَهُمْ

تمرین

أَبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ - فَأَخَذَتْهُمُ صِعْقَةُ الْعَذَابِ - أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ - مِثْلَكُمْ يُوْحَى - أُرْسِلْتُمْ بِهِ

غنه

در این قسمت از درس، علی‌رغم ذکر مورد به مورد حکم غنه در احکام نون و میم ساکنه، نظر به اهمیت فوق‌العاده این مبحث در قرائت کلام الله مجید، یک بار دیگر به جمع‌بندی غنه و موارد آن می‌پردازیم.

تعریف غنه

غنه صدائی را گویند که از خیشوم (فضای بینی) خارج می‌شود.

میزان کشش غنه

میزان کشش غنه دو حرکت (یک الف مدی) است؛ نه بیش‌تر و نه کم‌تر.

موارد غنه

۱. نون و میم مشدد؛

۲. ادغام نون در یمون؛

۳. اقلاب نون ساکن؛

۴. کلیه اخفاءها (اخفاء نون ساکنه و اخفاء میم ساکنه).

در نهایت تأکید می‌شود در عرف قرائت، قاریانی که از اداء صحیح موارد غنه عاجز باشند مبتدی محسوب می‌شوند.

مثال و تمرین

تَمَّتْ - جَنَّةٌ - فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ - رَسُولًا مِنْكُمْ - طَلَعُ نَاصِدٌ - مِنْ وَلِيِّ - أَخَذًا وَبِيلاً - مَنْ يَشَاءُ - قَبْضًا يَسِيرًا - أَنْتُمْ بَرِيءُونَ - أَسْفَارًا بِئْسَ - كَلِمَةً سَبَقَتْ - يَنْقَلِبُونَ

تمرین عملی

۱. عبارات زیر را با رعایت احکام میم ساکنه و احکام غنّه بخوانید:

هُمُ وَاَزْوَاجِهِمْ - اَمْوَاتٌ - اَنْتُمْ بِهِ - نَجَّيْنَاهُمْ بِسِحْرِ - تُصِيبُهُمْ مُصِيبَةٌ - اَنْهُمْ بَادُونَ - اَسْفَارًا بِئْسَ - كَلِمَةً
سَبَقَتْ - مِنْ بَعْدِهِمْ - غَشِيَهُمْ مَوْجٌ - فَلَمَّا اَنْبَتَهُمْ - يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ - سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي - جَنَّاتٍ وَّ عِيُونٍ -
مَنْ يَقْنُطُ

۲. سوره طور را از آیه ۱۷ تا آخر آیه ۲۸ تلاوت کنید و این بار احکام میم ساکنه را در آن رعایت نمایید.

جلسه پانزدهم

مدّ و قصر

اهداف درس	۷۴
مدّ و قصر	۷۴
مقدمه	۷۴
تعریف مدّ	۷۴
ساختمان مدّ	۷۴
انواع مدّ	۷۴
نام مقادیر مدّ	۷۵
انواع مدّ فرعی	۷۵
۱. مدّ متصل	۷۵
۲. مدّ منفصل	۷۵
۳. مدّ لازم	۷۶
۴. مدّ عارض	۷۶
۵. مدّ لاین	۷۶
تمرین عملی	۷۶

اهداف درس

- ✓ آشنایی با مدّ و انواع آن، شامل مدّ طبیعی و غیر طبیعی، که مدّ غیر طبیعی خود شامل مدّ متصل، مدّ منفصل، مدّ لازم، مدّ عارض و مدّ لین می‌باشد؛
- ✓ شرح کامل هر یک از انواع مدّ و بیان مقدار کشش آن‌ها.

مدّ و قصر

مقدمه

مبحث مدّ و قصر از مباحث مهم و شیرین تجوید و قرائت کلام الله مجید است. اجرای مد در حین قرائت و در جای صحیح خود، علاوه بر ارتقاء فصاحت، نمایشی از هنر زیبای تلاوت به ارمغان می‌آورد که می‌توان از تحریرهای زیبا نیز در آن استفاده نمود.

تعریف مد

مد از لحاظ لغوی به معنای زیادت یا فزونی و در اصطلاح قرائت عبارت است از: امتداد صوت در حرف مد بیش از میزان طبیعی؛ البته میزان کشش طبیعی حرف مد (دو حرکت) را قصر و یا مدّ طبیعی گویند. قصر در لغت به معنای کوتاهی و ضد مد است؛ به عنوان مثال در کلمه اُوذِینَا سه مدّ طبیعی وجود دارد و نیز در اُوْتِینَا یا اُتُونِی و

ساختمان مد

مد از همراهی دو عنصر ایجاد می‌شود:

۱. حرف مد؛

۲. سبب مد.

هرگاه این دو با یکدیگر همراه شوند، مد پدید می‌آید، لذا هیچ کدام به تنهایی سبب ایجاد مد نمی‌شوند.

مد دو سبب دارد:

۱. همزه؛

۲. سکون.

باید دانست که تشدید نیز به دلیل آن که در واقع از دو سکون تشکیل شده است، سبب مد است.

مثال: جَاءَ - إِنْ أَنْزَلْنَا - سُوءٌ - جِيءَ - الْآنَ - مُفْلِحُونَ - الْم.

انواع مد

همان گونه که قبلاً ذکر شد، به طور کلی دو نوع مد وجود دارد:

۱. طبیعی (اصلی)؛

۲. غیر طبیعی (فرعی).

مدّ طبیعی دو حرکت کشش دارد و در حرف مدّی‌ای وجود دارد که هیچ سببی پس از آن نیاید؛ مانند: اتونی - اوذینا.

نام مقادیر مد

قبل از ذکر انواع مدّ فرعی (غیر طبیعی)، شایسته است نام مقادیر مختلف کشش مد را بدانیم. کشش صوت به اندازه دو حرکت را قصر، سه حرکت را فوق قصر، چهار حرکت را توسط و پنج حرکت را فوق توسط گویند. آخرین و بیش‌ترین مقدار مد، شش حرکت است که طول نام دارد.

انواع مدّ فرعی

مدهای فرعی عبارت‌اند از: متصل، منفصل، لازم، عارض و لین؛ سبب دو نوع مدّ اول همزه و سبب سه نوع مدّ بعدی سکون می‌باشد.

۱. مدّ متصل

اگر حرف مد با همزه در یک کلمه باشد، به آن نوع مد، مدّ متصل گویند؛ میزان مدّ متصل، چهار حرکت (توسط) یا پنج حرکت (فوق توسط) است؛ در واقع در عمل، مدّ متصل دو برابر یا دو و نیم برابر مدّ طبیعی است؛ به این مد، مدّ واجب نیز گویند.

نکته مهم

قاری قرآن هر میزان مد را که اختیار نمود، تا انتهای تلاوت باید آن را ثابت نگاه دارد (قانون توازن مد)؛ یعنی در صورت انتخاب چهار حرکت، این میزان باید تا آخر ادامه یابد و در پنج حرکت نیز همین گونه عمل می‌شود.

مثال: تَشَاءُ - خَطِيئَةٌ - سَوْءٌ

۲. مدّ منفصل

مدّی را گویند که حرف مد در آخر یک کلمه، و همزه در آغاز کلمه بعدی واقع شده باشد (منفصل به معنای جدا می‌باشد).

میزان مدّ منفصل نیز چهار و یا پنج حرکت است؛ البته می‌توان مدّ منفصل را به صورت طبیعی (دو حرکت) نیز ادا نمود و در واقع بی‌جهت نیست که به مدّ منفصل، مدّ مستحب نیز گفته‌اند.

تأکید می‌شود میزان مدّ منفصل نیز تا آخر قرائت باید ثابت باشد (اگر دو حرکت است تا آخر با دو حرکت ادامه یابد و اگر چهار حرکت، به همین شکل و ...)؛ همچنین در یک تلاوت، مدّ منفصل، هیچ‌گاه نباید، بیش از مدّ متصل امتداد یابد؛ بلکه باید یا کم‌تر و یا حداکثر مساوی با مدّ متصل کشیده شود.

مثال و تمرین: اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ - فِي آيَاتِنَا - قَالُوا اِنَّا - لَا اَشْرِكُ بِهٖ اَحَدًا - يَبِيْنَهُ اَمَدًا.

۳. مد لازم

هرگاه سبب مد، سکون لازم باشد، مد لازم پدید می‌آید؛ مقصود از سکون لازم، سکونی است که همیشه با حرف در کلمه همراه باشد و به خاطر وقف و موقتاً پیش نیامده باشد؛ مانند سکون حرف «ل» در کلمه «الآن». میزان کشش مد لازم، شش حرکت (طول) و در واقع بیش‌ترین مد مجاز در قرائت قرآن است و کم‌تر از آن جایز نیست.

مد لازم، هم در کلمات میان سوره‌ها و هم در حروف مقطعه آغاز سوره به وفور یافت می‌شود؛ البته گاهی اوقات سبب مد لازم، تشدید است؛ چراکه در هر تشدید، یک سکون لازم نهفته است. جالب این‌که بیش‌ترین مدهای لازم میان سوره‌ها از این نوع است.

مثال‌های مختلف از مد لازم:

۱. مد لازم با سبب سکون در کلمات میان سوره؛ مانند: «الآن».
۲. مد لازم با سبب تشدید در کلمات میان سوره؛ مانند: ضَالِّينَ - كَافَّةً.
۳. مد لازم با سبب سکون در حروف مقطعه؛ مانند: ال (الف لام را).
۴. مد لازم با سبب تشدید در حروف مقطعه؛ مانند: الم (الف لامیم).

۴. مد عارض

هرگاه پس از مد، سکونی که در اثر وقف پیش آمده است واقع شود، مد حاصله را مد عارض گویند (عارض به معنای موقتی و غیر ذاتی است).

میزان مد عارض عبارت است از: دو، چهار و شش حرکت. در مدهای عارض عملاً حفظ توازن لازم نیست.

مثال: الْحِسَابُ (الْحِسَاب) - أَطِيعُونَ (أَطِيعُونَ) - مُؤْمِنِينَ (مُؤْمِنِينَ).

۵. مدّ لّین

مدّ لّین مدّی است که حروف آن، واو ساکنه ماقبل مفتوح و یاء ساکنه ماقبل مفتوح باشد و سبب آن سکون است.

مدّ لّین را می‌توان مانند مدّ عارض، بین دو تا شش حرکت امتداد داد؛ خواه سبب آن لازم باشد، خواه عارضی؛ البته در سکون لازم، شش حرکت ارجح است. باید مراقب بود که به جای مدّ لّین فتحه ماقبل، امتداد نیابد.

مثال‌های مدّ لّین با سکون لازم: مدّ «عین» در: کَهِیصَ در سوره مریم و حَمَسَقَ در سوره شوری.

مثال‌های مدّ لّین با سکون عارضی: خَوْفٍ [خَوْفٌ در وقف] - إِلَیْکَ [إِلَیْکَ در وقف]

تمرین عملی

۱. کلمات زیر را با رعایت قوانین مد بخوانید.

حم عسق - الحاقّة - الملائكة - شديد العقاب - مالآترون - بني آدم - ابائنا - قريش - طسم - ها أنتم - حاجتكم - في حكمه أحداً.

۲. سورة نمل را از آیه ۸۲ و إذا وقع ... تا آخر آیه ۸۸ تلاوت کرده؛ موارد مد را رعایت کنید.

جلسه شانزدهم

چند نکته پایانی

- اهداف درس ۸۰
- چند نکته پایانی ۸۰
- الف) سکت در قرآن ۸۰
- موارد سکت ۸۰
- ب) هاء سکت در قرآن ۸۰
- موارد هاء سکت ۸۰
- ج) نکاتی از هاء ضمیر ۸۱
- ءَاعَجَمِيَّ ۸۱
- لا تَأْمَنَّا ۸۲
- ه) سجده‌های واجب تلاوت ۸۲
- چند نکته ۸۲
- تمرین عملی ۸۳

اهداف درس

- پرداختن به چند نکته پایانی شامل:
- ✓ تعریف سکت و بیان موارد آن؛
- ✓ تعریف هاء سکت و بیان موارد آن؛
- ✓ ذکر نکاتی در باره هاء ضمیر؛
- ✓ شرح شیوه قرائت کلمات «بئسَ الاسمُ، أعجميُّ و لا تأمناً»؛
- ✓ آشنایی با سجده‌های واجب تلاوت و نکات مربوط به آن.

چند نکته پایانی

الف) سکت در قرآن

سکت در لغت یعنی توقف و سکوت و در قرائت عبارت است از: قطع صوت در حین قرائت بدون تجدید نفس و سپس ادامه قرائت.

این سکوت می‌تواند در حد زمان دو حرکت صورت گیرد.

موارد سکت

۱. عَوْجًا * قَيْمًا (کهف / ۱)
 - عَوْجًا در وقف و سکت «عَوْجًا» خوانده می‌شود.
 ۲. مَرَقَدِنَا * هَذَا (یس / ۵۲)
 ۳. مَنْ * رَاقٍ (قیامة / ۲۷)
 ۴. بَلْ * رَانَ (مطففین / ۱۴)
- در غیر این موارد، سکت در قرآن جایز نیست.

ب) هاء سکت در قرآن

هاء سکت هاء ساکنه‌ای است که به آخر برخی از کلمات قرآن ملحق می‌شود؛ معنا ندارد، اما وجه کاربرد آن، حفظ حرکت حرف آخر کلمه به هنگام وقف و نیز توازن آخر آیات است. علت نام‌گذاری سکت روی این نوع هاء، تأکید بر وقف، روی این کلمات است (البته اختیاری).

موارد هاء سکت

هاء سکت در هفت کلمه قرآن آمده است:

۱. لَمْ يَتَسَنَّهْ (بقره / ۲۵۹)

۲. اِقْتَدِه (انعام / ۸۹)

۳. كِتَابِيَه - حِسَابِيَه - مَالِيَه - سُلْطَانِيَه (الحاقه / ۲۹ - ۱۹)

۴. ماهِيَه (قارعه / ۱۰)

ج) نکاتی از هاء ضمیر

همان گونه که می‌دانید منظور از هاء ضمیر در اصطلاح قرائت، عبارت است از یک «هاء» مضموم و یا مکسور که در آخر کلمه واقع می‌شود و معنای «او - آن» (ضمیر متصل مفرد مذکر غایب) می‌دهد. مانند: منه: از آن؛ له: از او؛ لدیه: نزد او؛ به: به آن.

هاء ضمیر در قرآن به دو صورت اشباع^{۳۱} (با صدای کشیده) یا بلا اشباع (با صدای کوتاه) خوانده می‌شود. هرگاه ماقبل یا مابعد هاء ضمیر، سکون واقع شود، هاء ضمیر بلا اشباع (با حرکت کوتاه ضمه یا کسره) خوانده می‌شود مانند: مِنْهُ، لَهُ الْمَلِكُ، يَتَّقُهُ، رَسُولُهُ النَّبِيِّ، أَنْزَلْنَاهُ، فِيهِ، نَصْرُوهُ.

در سایر موارد هاء ضمیر اشباع می‌گردد (با حرکت کشیده واو مدی و یاء مدی خوانده می‌شود) مانند: رَسُولِهِ، نَبَّهَ فَرِيقًا.

۱. هاء ضمیر در يَرْضَهُ لَكُمْ (زمر / ۷) اشباع نمی‌شود.

۲. هاء ضمیر در فِيهِ مُهَانًا (فرقان / ۶۹) اشباع می‌شود.

۳. هاء ضمیر در کلمات اَرْجِهْ (اعراف / ۱۱۱، شعراء / ۳۶) و فَأَلْقَهُ (نمل / ۲۸) استثناً ساکن است و نباید هاء سکت محسوب شود.

۴. هاء ضمیر در اَنْسَانِيَه (کهف / ۶۳) و عَلَيْهِ اللهُ (فتح / ۱۰) ضمه خوانده می‌شود.

۵. حرف هاء در مَا نَفَقَهُ (هود / ۱۹)، لَمْ يَنْتَه (احزاب / ۶۰) و لَمْ تَنْتَه (مریم / ۴۶) هاء ضمیر نیست؛ بلکه ذاتی (جزء کلمه) است و اشباع نمی‌شود.

۶. هاء در آخر کلمه هَذِهِ با این که هاء ضمیر نیست، اشباع می‌شود.

د) تلفظ خاص چند واژه

بِسْمِ اَلِاسْمِ

در عبارت «بِسْمِ اَلِاسْمِ» (حجرات / ۱۱)، با حذف همزه وصل «اسم» از آن جا که لام ساکن با سین ساکن هم‌جوار می‌شود، برای رفع مشکل تلفظ، لام را به کسره می‌خوانند. این‌طور: «بِسْمِ لِسْمِ».

ءَاَعْجَمِي

همزه دوم در کلمه ءَاَعْجَمِي (فصلت / ۴۳)، تسهیل می‌شود. منظور از تسهیل این است که همزه دوم را باید بدون تیزی و شدت ادا نمود.

۳۱. سیر کردن، پر کردن.

لا تَأْمَنَّا

در هنگام تلفظ نون مشدّد در کلمه لا تَأْمَنَّا (یوسف / ۱۱)، باید لبها به حالت ضمه در آید (بدون صدای ضمه) تا نشان دهنده ضمه نون در اصل کلمه باشد (لا تَأْمَنَّا). به این حالت لبها در تجوید، اِشمام گویند.

يَبْصُطُ وَ بَصْطَةٌ

حرف «ص» در دو کلمه يَبْصُطُ (بقره/ ۲۴۵) و بَصْطَةٌ (اعراف/ ۶۹) باید سین خوانده شود.

ه) سجده‌های واجب تلاوت

در چهار موضع قرآن، پس از تلاوت یا شنیدن تمامی آیه، یک سجده برای قاری و نیز برای مستمع واجب می‌شود.

این مواضع چهارگانه عبارت‌اند از:

۱. سوره سجده / ۱۵: إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا ...
۲. سوره فصلت / ۳۷: وَمِنَ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ...
۳. سوره نجم / آیه آخر: فَاسْجُدُوا ...
۴. سوره علق / آیه آخر: كَلَّا ...

چند نکته

۱. در سجده تلاوت، طهارت، داشتن وضو و غسل) و رو به قبله بودن واجب نیست، اما باید بر آنچه صحیح است سجده کنند. همچنین خواندن ذکر در سجده تلاوت واجب نیست، اما می‌توان اذکار مستحبی قرائت کرد.

۲. همچنین بنا بر فتوای امام خمینی (قدس سره) شرط وجوب سجده تلاوت، این است که به صورت ارادی به آیه گوش داده شود و نیز به طور مستقیم و به وضوح (نه به صورت همهمه) از قاری شنیده شود؛ بنا بر این استماع از نوار ضبط شده سجده نمی‌آورد.

۳. جهت آگاهی کامل از احکام سجده واجب تلاوت، به رساله‌های عملیه مراجع تقلید رجوع کنید.
در پایان این دوره فشرده از تجوید قرآن، به درگاه رب الارباب، پیشانی خضوع بر زمین گذارده و مسألت داریم:

بارالها، قرائت آیات روح بخش قرآن را به کام ما شیرین گردان و در قیام بدان، ما را نشاط بخش. از ره مداومت بر تلاوت و حسن برداشت از مفاهیم آن، دل‌های ما را از مواعید آن ترسان ساز و توفیق عمل به ادای آن را در شب و روز به ما عطا فرما.
بخشی از دعای حضرت امام صادق (علیه السلام)

تمرین عملی

موارد سکت و هاء سکت را یک بار با رعایت قواعد آن بخوانید.